



آیت‌ا.. علم‌الهدی در همایش بزرگ «فاطمیون در مدار مقاومت» مطرح کرد

لشکر فاطمیون وام‌دار میراث فاطمی

۲

سند آمایش سرزمینی
نیاز به بازنگری دارد

رئیس اتاق بازرگانی خراسان رضوی



مطالعات سند آمایش سرزمینی خراسان رضوی مربوط به دهه ۸۰ بوده که در سال ۱۳۹۳ در شورای برنامه ریزی این استان به تصویب رسید. بازنگری مجدد این سند در سال ۱۳۹۹ انجام شد. چشم‌انداز سند استانی آمایش سرزمینی سال ۱۴۰۴ تعریف شده است، اما افق سند ملی که سال ۱۳۹۹ تصویب و ابلاغ شده، بازه طولانی‌تری (۱۴۲۴) را شامل می‌شود که این امر خود جای تأمل دارد. چندی پیش هم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی اعلام کرد که تدوین برنامه عملیاتی سند استانی آمایش سرزمینی را با ابلاغ برنامه هفتم توسعه، در دست انجام دارد. در این میان باید گفت هرچند سند مذکور در زمان خود به عنوان یک چارچوب راهبردی تدوین شده، باین حال تحولات درخورتوجهی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی طی سال‌های اخیر صورت گرفته که ضرورت بازنگری و به‌روزرسانی آن را بیش ازپیش نمایان می‌کند. باور داریم که بازنگری در این سند باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند همگام با شرایط روز، کارآمدتر و اثربخش‌تر عمل کند.

به‌طورطبیعی در شرح خدمات سنگینی که برای تدوین این سند تعریف شده بود، ظرفیت‌های استان‌ها تا حد ممکن مدنظر بوده، اما باید توجه داشت که برنامه آمایش در مواردی باید محدودیت‌ها را نیز در کنار ظرفیت‌ها مدنظر قرار دهد. برای مثال در این سند، به برخی پتانسیل‌های مهم استان خراسان رضوی، ازجمله موقعیت ویژه مرزی، ظرفیت‌های گردشگری مذهبی به‌واسطه وجود حرم مطهر حضرت رضا^(ع) و زیرساخت‌های صنعتی، توجه مطلوبی صورت گرفته است؛ باوجوداین، به نظر می‌رسد که برخی دیگر از ظرفیت‌ها یا حتی چالش‌های بنیادین و راهبردی استان کمتر محور تمرکز بوده است. توانمندی‌های کشاورزی در کنار مسائل مربوط به منابع آب و انرژی، ظرفیت بهره‌برداری از فناوری‌های جدید و قابلیت‌های بالقوه استان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر ازجمله مواردی هستند که می‌توانند به عنوان چالش‌ها یا مزیت‌های رقابتی خراسان رضوی مطرح شوند. به‌طور نمونه، خراسان رضوی با اقلیم مناسب خود، ظرفیت کم‌نظیری در حوزه انرژی خورشیدی و صنایع وابسته به کشاورزی مدرن دارد که تاکنون کمتر به آن توجه شده است.

یک نکته مهم در مطالعات آمایشی، بزرگی ابعاد آن است، درحالی‌که در بعضی بخش‌ها به‌رویکردهای اجرایی‌تر و عملیاتی‌تر و حتی در مواردی، کوچک مقیاس‌تر نیازمندیم. در این موضوع، پیشنهاد می‌شود، نخستین گام برای بازنگری مؤثر، جلب مشارکت گسترده نخبگان علمی، فعالان اقتصادی و نمایندگان بخش خصوصی در این فرایند است...

ادامه ۴



رهبر معظم انقلاب:

مزدوران آمریکا زیر پای ملت ایران لگدمال می‌شوند

۲

جمهوری اسلامی نیروی نیابتی ندارد؛ یمن می‌جنگد، چون باایمان است؛ حزب‌الله می‌جنگد، [چون] قدرت ایمانی، او را به میدان می‌کشانند؛ حماس و جهاد می‌جنگند، چون عقیده‌شان آن‌ها را به این کار وادار می‌کند. ما اگر یک روزی بخواهیم اقدام بکنیم، احتیاج به نیروی نیابتی نداریم.

قفلی که باز شد

با صدور اولین پایان‌کار صنعتی برای یکی از صنایع محور غرب، بالاخره گره ۳۰ ساله این پرونده باز شد

۳

رئیس کل دادگستری استان عنوان کرد

سند تحول قضایی

نقشه راه برنامه‌های عملیاتی مجموعه قضایی استان

جوان محله انصار از جمع‌آوری اشیاء و نوشته‌های قدیمی سرکیف می‌آید

خاطره‌بازی در خرازی

محله ۵۰۶

شهردار مشهد اعلام کرد

بوستان‌های بهشت و آفتاب به‌زودی پذیرای بانوان خواهند شد

گام نخست «ایران بانو» در مشهد

حرم مطهر رضوی میزبان رویدادی با حضور ۱۱۰ بانوی نخبه کشورمان بود

صنعتگران در انتظار جبران خسارت

تولیدکنندگان خواستار شفافیت شدند چگونه زیان‌های قطع برق پرداخت می‌شود؟

قانون‌گذاری شهری باچاشنی پژوهش

نگاهی به مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر که بازوی علمی پارلمان شهری است

خواستگاری به سبک دیروز یا امروز؟

از هدف اصلی ازدواج در لابه‌لای زرق و برق زندگی دور نشویم

شهرآرا قول‌های داده شده به ساکنان میثم شمالي را پس از گذشت یک سال بررسی کرد

اجرای پروژه‌ها در گرو تخصیص اعتبارات

دریاره کوچه «توحید۴۶» که نگهبانان حصار و باروی شهر نخستین ساکنان آن بودند

باغ‌های انگور «پشت بهره» و قصه اربابانش

شهرآرا نیوز

SHAHRARANEWS.IR

اینجا همان جایی است که «خبرخوان» پایش را چندگام فراتر می‌گذارد و «خبردان» می‌شود. در این راستا و برای بازخوانی سریع‌تازه‌ترین رخدادهای خبری تحلیلی مشهد و ایران «کیوار کده‌های روبه‌روی هر یک از گزاره‌های خبری را اسکن کنید.

فرودگاه مشهد، میزبان ۱۱۰ بانوی نخبه در پروازی با خلبان زن

مدیر روابط عمومی فرودگاه‌های خراسان رضوی گفت: پرواز «ایران بانو» با ۱۱۰ زن نخبه ایرانی و به خلبانی «شهرزاد شمس»، نخستین بانوی خلبان ایرانی (امروز یکشنبه) در فرودگاه بین‌المللی شهید هاشمی‌نژاد مشهد مقدس به زمین نشست.

ویدئو | سیدی مشهد: محله‌ای که از یک چاه‌آب شروع شد

روایتی از مردی که بنیان‌گذار چهار محله نامی شهرمان بوده است.

ویدئو | مقام‌نامه | گوهر رخشان

خراسان بزرگ از جنوب تا شمال، از غرب تا شرق سرشار از نغمه‌ها و مقام‌هاست. قصه‌هایی که با ساز همراه شده‌اند و از گذشته تا امروز همراه شادی و غم مردم بوده است. استاد جمشید ولی‌نژاد در این قسمت از برنامه مقام‌نامه بحرطویل گوهر رخشان را برای مخاطبان شهرآرانویز اجرا کرده است.

مبدأ تعیین مسافت شهر مشهد از سایر شهرها کجاست؟

به احتمال زیاد تابلوهای مسافت بین شهرها را دیده‌اید، اما تا به حال به این فکر کرده‌اید که مبدأ دقیق اندازه‌گیری این مسافت‌ها کجاست؟

گام نخست «ایران بانو» در مشهد

حرم مطهر رضوی میزبان رویدادی با حضور ۱۱۰ بانوی نخبه کشورمان بود

هم‌زمان با ایام ولادت حضرت زهرا^(س) و روز مادر، رویداد ملی «ایران بانو» روز گذشته در سالن همایش‌های آستان قدس رضوی با حضور صدها نفر از بانوان نخبه و موفق در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و... برگزار شد. روز گذشته پرواز «ایران بانو» با ۱۱۰ زن نخبه و موفق ایرانی و به خلبانی شهرزاد شمس، نخستین بانوی خلبان ایران، در فرودگاه بین‌المللی شهید هاشمی‌نژاد مشهد به زمین نشست تا بانوان نخبه کشورمان در مراسم «ایران بانو» حضور داشته باشند.

ایران بانو باهدف معرفی الگوی زن ایرانی و نخبگان زن کشور به‌ویژه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی به میدان می‌آید. این رویداد و

قصده دارد روایت‌های الهام‌بخش و موفق این زنان برجسته را برای دیگران بازگو کند تا ضمن نمایش توانمندی‌ها و دستاوردهای آنان، زمینه‌ای برای الهام‌بخشیدن به نسل‌های آینده فراهم شود، رویدادی که روز گذشته نخستین بار در حرم مطهر رضوی آغاز به‌کار کرد. به دنبال آن است که با شناساندن این الگوها، تأثیرات مثبت آن‌ها را در جامعه‌گسترش دهد و بانوان را به مشارکت بیشتر در حوزه‌های مختلف ترغیب کند.

فرصتی برای بانوان سراسر ایران این رویداد که آغاز آن از مشهد بود، در ادامه بناست تبدیل به برنامه تلویزیونی «ایران بانو» شود که به‌زودی از همه شبکه‌های استانی کشور پخش خواهد شد و فرصتی بی‌نظیر برای بانوان

سراسر ایران فراهم می‌آورد تا داستان‌ها، تجربه‌ها و توانمندی‌هایشان را به اشتراک بگذارند. این برنامه که با هدف نمایش نقش پررنگ زنان در حوزه‌های گوناگون طراحی شده است، در شش محور اقتصاد و کارآفرینی، تعلیم و تربیت، زنان خانه‌دار، علمی و پژوهشی، فرهنگ و هنر و فعالیت‌های اجتماعی برگزار می‌شود. «ایران بانو» به دنبال ایجاد فضایی برای تقویت روحیه خودباوری بانوان و الگوسازی در عرصه‌های مختلف زندگی است. شرکت‌کنندگان در این برنامه علاوه بر به‌اشتراک‌گذاری روایت‌های الهام‌بخش خود، تحت‌ارزیابی داوران حرفه‌ای قرار خواهند گرفت. این برنامه فرصتی است تا توانایی‌ها و دستاوردهای بانوان ایرانی در تمامی نقاط کشور نمایان شود.

سند تحول قضایی، نقشه راه برنامه‌های عملیاتی مجموعه قضایی استان

رئیس کل دادگستری خراسان رضوی تأکید کرد: مشکلات و تنگناهای موجود باید با کار جهادی و تلاش مضاعف جبران شود. به‌گزارش شهرآرا به نقل از روابط عمومی دادگستری خراسان رضوی، حجت‌الاسلام والمسلمین زندی در جلسه شورای معاونان دادگستری با اشاره به آثار مطلوب سند تحول قضایی گفت: این سند همچون یک نقشه راه برای طراحی و اجرای برنامه عملیاتی مجموعه قضایی استان عمل کرده و برای بررسی نحوه اجرای آن تاکنون جلسات متعدد کارشناسی برگزار شده است و ان شاء... این روند با قوت ادامه خواهد یافت.

وی گفت: نباید کمبود نیروی انسانی و سایر تنگناها و مشکلات، خللی در روند خدمت‌رسانی به مردم ایجاد کند، بلکه قضات شریف و کارکنان دستگاه قضایی با تلاش مضاعف و کار جهادی در پی خدمت‌رسانی هرچه بهتر به مراجعان باشند. رئیس شورای قضایی خراسان رضوی افزود: اقدامات در حال انجام باید توسط مدیران به صورت مستمر رصد و پایش شود تا بر اساس تجربیات به‌دست‌آمده نقاط ضعف برطرف و نقاط قوت تقویت شود.

رئیس کل دادگستری خراسان رضوی با اشاره به اجرای قانون شوراها و حل اختلاف و استقرار دادگاه‌های صلح در سطح حوزه‌های قضایی استان گفت: شرایطی فراهم

آمده تا با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها در جهت ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های قضایی و اصلاح ذات‌البین در میان مردم عزیز گام برداشته شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین زندی با اشاره به دو اصل مهم ارتقای وضعیت آموزشی کارکنان و اعمال نظارت مستمر بر عملکردها خطاب به مسئولان قضایی گفت: مستمراً بر این دواصل مهم در کنار سایر اصول مدیریتی، می‌توان شاهد تحول در سنجش عملکردها و درنهایت چگونگی ارائه خدمات به مراجعان محترم باشیم.

تقدیر از رانندگان زن اتوبوس‌رانی مشهد به عنوان الگوی تلاش و پشتکار

هم‌زمان با میلاد بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه^(س)، از رانندگان زن سازمان اتوبوس‌رانی شهرداری مشهد به عنوان الگوی تلاش و پشتکار، تقدیر شد. به‌گزارش شهرآرا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، محسن شریعتی گفت: گرامیداشت نقش برجسته زنان در عرصه‌های مختلف، تصویری از اراده و تلاش بی‌وقفه این قشر توانمند از جامعه را نشان می‌دهد.

وی افزود، در این میان رانندگان زن اتوبوس‌رانی بامهارت، صبوری و تعهد، چرخ‌های یکی از مهم‌ترین ارکان حمل‌ونقل شهری را به حرکت درآورده و نقشی بی‌بدیل در تسهیل رفت‌وآمد شهروندان ایفا می‌کنند. مدیرعامل سازمان اتوبوس‌رانی شهرداری مشهد اضافه

ستاد مردمی بزرگداشت حماسه ۱۵ خرداد سال ۱۳۵۷ مشهد مقدس



صدای مردم شهرآرا تحقق قول های داده شده به ساکنان محله میثم شمالی را پس از گذشت یک سال بررسی کرد

اجرای پروژه‌ها در گرو تخصیص اعتبارات



گزارش میدانی

محله میثم شمالی، یکی از پرجمعیت ترین محلات مشهد است. سال گذشته بود که شاهد مطرح شدن مشکلات و مطالبات فراوانی از سوی شهروندان و اعضای شورای اجتماعی محله در تریبون مردمی شهرآرا بود. اکنون، پس از گذشت یک سال، اهالی این محله همچنان منتظر تحقق وعده هایی هستند که شهرداری منطقه ۴ به آن ها داده بود.

پیاده‌روسازی کنارگذر بزرگراه شهید بابانظر سال گذ شته و هم زمان با تریبون مردمی شهرآرا، شهردار منطقه ۴ این قول را داد که طرح پیاده رو سازی کنارگذر بزرگراه شهید بابانظر پس از تصویب نهایی وارد فاز اجرا شود. در آن گزارش یکی از ساکنان محله این طور گفته بود: یک سال از تصویب پروژه گذشت این درحالی بود که مسئولان قول اجرایی شدن پروژه را در همان سال نخست داده بودند. با این همه هنوز حتی یک آجر جابه جا نشده است.

نکته دیگری که شهروندان به آن اشاره داشتند اختلاف سطح پیاده‌رو هادر محله‌زندگی آن ها بود. به گفته شهروندان این اختلاف سطح شرایط رفت و آمد را برای افراد مسن و معلول بسیار سخت کرده است. یکی دیگر از اهالی به نامه نگاری های متعدد برای این موضوع اشاره کرده و گفته بود که حتی در شورای اجتماعی محله مشکل اختلاف سطح را مطرح کرده اند. اما تاکنون راه به جایی نبرده اند.

آسفالت خیابان دهخدا یکی از مطالبات جدی اهالی، ترمیم آسفالت خیابان دهخدا بود. به گفته آن ها از سال

۱۳۹۸ تاکنون آسفالت این محدوده بازسازی نشده است. یکی از کسبه این خیابان مشکلات را این طور مطرح کرده بود: هر روز شاهد خراب شدن جلوبندی ماشین ها هستیم. وضعیت آسفالت افتضاح است و گرد و خاک زیادی بلند می شود. به ساکنان محله سال گذشته این طور گفتند که مشکل مربوط به شرکت آب و فاضلاب است و باید حفاری ها درست شود. مگر چند سال طول می کشد تا این کار را انجام دهند؟ شهروندان به این موضوع نیز اشاره داشتند که از خیابان دهخدا برای عبور و رسیدن به پنچتن استفاده می کنند. با این حال حداقل امکانات برای این خیابان در نظر گرفته نشده است.

وعده‌ها روی زمین ماندند باگذشت یک سال به سراغ شهردار منطقه ۴ می رویم. محسن نعیمی مقدم درباره وضعیت آسفالت خیابان دهخدا این طور توضیح داد: آسفالت این خیابان روکش شده است. شهردار منطقه ۴ درخصوص طرح پیاده‌رو سازی بزرگراه شهید بابانظر نیز گفت: طرح پیشنهادی این پروژه برای سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده که در صورت تأمین اعتبار انجام می شود. شهردار منطقه ۴ درخصوص احداث مرکز فرهنگی و زمین بازی در بوستان افاقا نیز گفت: در سال ۱۴۰۳ طرح مشاور گرفته شد ولی به دلیل عدم تخصیص در سال ۱۴۰۳ انجام نشد. در صورت تخصیص اعتبار در طرح پیشنهادی ۱۴۰۴ انجام می شود.

پارک افاقیا و طرح دغدغه‌ها درخواست احداث مرکز فرهنگی، کتابخانه و زمین بازی در پارک افاقیا دیگر مواردی بود که شهروندان مطرح کردند. یکی از بانوان محله این طور دغدغه اش را مطرح کرد: هر بار که بچه هایم رایه این پارک می آورم، افسوس می خورم زیرا هیچ زمین بازی مناسبی برای بچه هان نیست. سال گذشته گفتند مطالعات انجام می شود، اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. نبود مرکز فرهنگی، کتابخانه و یک مکان درست و حسابی برای گذراندن وقت، دیگر دغدغه شهروندان بود که به آن اشاره کردند. به گفته آن ها پارک افاقیا می تواند بهترین مکان برای در نظر گرفتن این امکانات باشد.

در صورت تأمین اعتبارات انجام می شود

احداث مرکز فرهنگی و زمین بازی در بوستان افاقیا در صورت تخصیص اعتبار در طرح پیشنهادی ۱۴۰۴ انجام می شود.

در صورت تأمین اعتبارات انجام می شود

طرح پیاده‌رو سازی بزرگراه شهید بابانظر در طرح پیشنهادی ۱۴۰۴ است که در صورت تأمین اعتبار انجام می شود.

انجام شد

یکی از مطالبات جدی اهالی، ترمیم آسفالت خیابان دهخدا بود. روکش خیابان دهخدا انجام شد.

مجله سرنوشت وعده‌ها

میز خدمت

۳۰

دوران محدودیت روشنایی بوستان‌ها

اهالی محله عبدالمطلب مشهد در صدمین دیدار مردمی فرماندار مشهد از دغدغه‌هایشان گفتند

گزارش میدانی

روزنامه نگار مرتضی محمدپور

صحبث از محلات کم برخوردار که می شود. جهت ذهن ها سمت و سوی پهنه های حاشیه شهر می افتد. از مناطق منفصل شهری در محدوده بولوار رسالت گرفته تا شهرک نوید، محله کشاورز و حتی سیدی و شهرک ابوذر در این شرایط فقط ۱۰ دقیقه پیاده روی در محلات منطقه عبدالمطلب کافی است تا خیلی زود، ناگهان نسبت به این محله و ظاهر برخوردار تغییر کنند. محله عبدالمطلب در محدوده مرکزی شهر قرار دارد و قدمت این محله سبب شده تا زیرساخت های رفاهی و فضای خدماتی آن دچار یک فرسودگی اساسی شود.

● امنیت، کلیدواژه مشترک اهالی

شامگاه روز شنبه، مسجد المهدی (ع) در حدفاصل عبدالمطلب ۱۳و ۱۵، میزبان صدمین نشست مردمی محسن داوودی فرماندار مشهد با اهالی این منطقه بود. اهالی طیف وسیعی از مشکلات را مطرح کردند. از روشنایی معابر و فرسودگی بافت مسکونی در منطقه گرفته تا کمبود زیرساخت های فرهنگی همچون فرهنگ سرا و مسائل امنیتی. تا اینجا دغدغه اهالی با محلات کم برخوردار مشترک است، اما ماجرای محله عبدالمطلب زمانی متفاوت می شود که به گفته رئیس شورای اجتماعی محله، در هر شش کیلومتر مربع از این منطقه یک مدرسه وجود دارد. بوستان های متعدد در این حوزه ایجاد شده و بیش از چهار مسجد نیز از مردم و نمازگزاران پذیرایی می کند. اما همه زیرساخت ها به صورت فراگیر فرسوده است. به همین دلیل، مدارس ناچار به پذیرش تعداد

● ۶۲ میلیارد تومان برای مجموعه ورزشی جدید

مسائل و چالش های مردمی را از سه جریان مسئول پیگیری کردیم. درگام نخست، سراغ شهردار منطقه ۲ رفتیم. سید علی حسین پور درگفت وگو با شهرآرا به این نکته تأکید کرد که وجود مشکلات در محله عبدالمطلب به دلیل بافت قدیمی آن یک حقیقت انکارناپذیر است. به گفته شهردار منطقه ۲ با این شرایط، شب اعتبارات عمرانی به سمت بسته های ویژه بازسازی و بهسازی هدایت می شود.

● کاهش ۳۰ درصدی روشنایی شهری

«در شرایط کنونی، برقراری توازن میان روشنایی معابر و مدیریت مصرف برق، اصلی ترین مسئولیت مدیران شبکه توزیع برق است.» این جمله را محمد صادق پور، مدیر امور برق ناحیه شهید همچنان چالش های چشمگیری بوده ایم. اما اجرای پروژه های زیرساختی و بزرگ همچون در تقاطع غیرمسطح خیام و فهمیده به صورت هم زمان سبب شده تا تمرکز اعتبارات بر پیشبرد این طرح ها باشد. بنابراین برای بازسازی زیرساخت های رفاهی در برخی محلات همچون سمرقند یا عبدالمطلب، با مشکلاتی روبه رو شده ایم. به گفته او، با وجود اجرای روکش آسفالت در خیابان عبدالمطلب و بولوار هدایت، یا ضعف بعضی امکانات در بوستان ها و وجود دارنده شهرداری منطقه، رسیدگی به آن ها را در دستور کار قرار داده است. حسین پور تصریح کرد، درباره مسئله امنیت بوستان ها که مورد توجه و اشاره اهالی بود،

کوفی!» به فکر خیابان نظام دوست ۲۱ باشید. جوی وسط کوچه تخریب شده و آسفالت اطراف آن کاملاً کنده شده است. تاجایی که اطراف جوی چاله و دست انداز ایجاد شده است. از شهرداری درخواست داریم تا نسبت به آسفالت این کوچه اقدام کند.» به دنبال پیگیری این خواسته شهروند شهردار منطقه ۳ مشهد می گوید: در صورت عدم رهاسازی پساب منازل در معبر مورد درخواست شهروندان، انجام عملیات روکش آسفالت محقق می شود.

سید علی حسینی ملک آباد می افزاید: با وجود اجرای رفتارهای قانونی مناسب با متخلفان و اطلاع رسانی مطلوب، متأسفانه رهاسازی پساب های خانگی در معابر از سوی برخی شهروندان همچنان به یکی از معضلات مدیریت شهری در این منطقه تبدیل شده است.

وی بیان می کند: براساس ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، رهاسازی پساب های خانگی در معابر تهدیدی برای محیط زیست و بهداشت عمومی شهروندان است که به عنوان جرم شناخته شده و با متخلفان رفتار قانونی می شود. در این راستا از ابتدای سال برای تعداد ۱۱۰ متخلف اخطار به هفت روزه صادر و ابلاغ شد. از این تعداد ۱۶ مورد به جمع آوری انشعاب منزل مسکونی اقدام کردند. وی ادامه می دهد: از شهروندانی که طرح آگوبرای آن ها اجرا شده است درخواست داریم تا هر چه سریع تر انشعاب خود را به کانال جمع آوری فاضلاب خانگی وصل کنند. شهروندانی که در محلات آن ها هنوز این طرح اجرا نشده، باید به حفر چاه جاذب اقدام کنند و از رهاسازی پساب های خانگی به معابر بپرهیزند.

ادامه

یادداشت

... چنین مشارکتی می تواند اسناد توسعه ای را از گفتمان آرمانی مرسوم خارج کرده و به سمت واقع گرایی و اجرایی شدن سوق دهد. شناخت و بهره برداری بهینه از فرصت های طبیعی، موقعیت ژئوپلیتیک و نیروی انسانی متخصص از ارکان توسعه منطقه ای است. در این راستا، ایجاد مدیریت یکپارچه منطقه ای باید در دستور کار قرار بگیرد، چرا که هماهنگی میان دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی به عنوان دو بازوی توسعه، می تواند مسیر پیشرفت را هم افزا و نظام مند کند. شاخص دیگری که باید در این حوزه مدنظر قرار بگیرد، بحث ناترازی هادر بخش های مختلف نظیر انرژی، تأمین مالی و... است که تشدید بحران در آن ها می تواند عدم تحقق اسناد آمایش را موجب شود.

حرف مردم

با ما در ارتباط باشید

۳۰۰۰۷۲۸۹shahraramdorm
— آیدی روییکا
۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ شماره ایپا، آئی گپ و روییکا
Shahraranews@masshah.ir رایاناامه

ستون «صدای مردم» روزنامه شهرآرا منتشر کننده پیام های مردمی است و صحت آن بر عهده فرستنده پیام است.

مخاطرات

● صلواتی- چه اصراری است که شرکت ایرانسل می خواهد خطوط اعتباری را تبدیل به دائمی کند و در این باره نیز جوابی را اعلام کرده است. این جایزه ها و قرعه کشی آن کجا انجام می شود و به چه کسی داده می شود؟ اصلاً برنده ها چه کسانی هستند؟

● اصفاف

● شهروند- چرا کسی به فکر کارگران نیست؟ آیا این درست است که کارگران در این سرما کار کنند و مریض شوند، اما کارمندان دارای محیط سر بسته تعطیل شوند؟ علاوه بر آن ساعت کاری آن ها نیز تا بهمن کم شود؟ چرا اداره کار و فرمانداری پیگیری نمی کنند؟

● دولت

● ۵۴۶...۰۹۱۵- بعد از حدود یک سال یا بیشتر که قانون حجاب به منظور اصلاحات رد و بدل شد اکنون چرا دولت آن را اجرایی نمی کند؟

خواستید انجام شد

۱۳۷

ستون «الو» ۱۳۷۰ صدای شماست که به مرکز ارتباطات مردمی شهرداری مشهد رسیده است تا ما به عنوان رسانه شما، آن را به گوش مسئولان برسانیم و از مسئولان خواسته هایمان را مطالبه کنیم.

● آسفالت معبر سواره رود رودی بولوار قمرینی هاشم (ع)، تقاطع خیابان شهدای طرق نشست کرده است. (درخواست مرمت)

● پاسخ ۱۳۷- مرمت آسفالت معبر اعلامی انجام شد.

● آسفالت معبر سواره رود رود محدود بیهقی ۱۳ نشست کرده است. (درخواست مرمت)

● پاسخ ۱۳۷- مرمت آسفالت معبر اعلامی انجام شد.

● آسفالت ایستگاه بی آر تی تقاطع فرامرز عباسی خروجی به سمت میدان استقلال نشست کرده است. (درخواست مرمت)

● پاسخ ۱۳۷- مرمت آسفالت معبر بی آر تی اعلامی انجام شد.

● جمعی از نخاله از سوی عوامل نامعلوم در بولوار نماز، انتهای نماز ۴ سمت راست دپو شده است. (درخواست جمع آوری)

● پاسخ ۱۳۷- جمع آوری نخاله های محل اعلامی انجام شد.

رهاسازی پساب خانگی در معابر عمومی ممنوع!

کوفی!» به فکر خیابان نظام دوست ۲۱ باشید. جوی وسط کوچه تخریب شده و آسفالت اطراف آن کاملاً کنده شده است. تاجایی که اطراف جوی چاله و دست انداز ایجاد شده است. از شهرداری درخواست داریم تا نسبت به آسفالت این کوچه اقدام کند.» به دنبال پیگیری این خواسته شهروند شهردار منطقه ۳ مشهد می گوید: در صورت عدم رهاسازی پساب منازل در معبر مورد درخواست شهروندان، انجام عملیات روکش آسفالت محقق می شود.

سید علی حسینی ملک آباد می افزاید: با وجود اجرای رفتارهای قانونی مناسب با متخلفان و اطلاع رسانی مطلوب، متأسفانه رهاسازی پساب های خانگی در معابر از سوی برخی شهروندان همچنان به یکی از معضلات مدیریت شهری در این منطقه تبدیل شده است.

وی بیان می کند: براساس ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، رهاسازی پساب های خانگی در معابر تهدیدی برای محیط زیست و بهداشت عمومی شهروندان است که به عنوان جرم شناخته شده و با متخلفان رفتار قانونی می شود. در این راستا از ابتدای سال برای تعداد ۱۱۰ متخلف اخطار به هفت روزه صادر و ابلاغ شد. از این تعداد ۱۶ مورد به جمع آوری انشعاب منزل مسکونی اقدام کردند. وی ادامه می دهد: از شهروندانی که طرح آگوبرای آن ها اجرا شده است درخواست داریم تا هر چه سریع تر انشعاب خود را به کانال جمع آوری فاضلاب خانگی وصل کنند. شهروندانی که در محلات آن ها هنوز این طرح اجرا نشده، باید به حفر چاه جاذب اقدام کنند و از رهاسازی پساب های خانگی به معابر بپرهیزند.

... چنین مشارکتی می تواند اسناد توسعه ای را از گفتمان آرمانی مرسوم خارج کرده و به سمت واقع گرایی و اجرایی شدن سوق دهد. شناخت و بهره برداری بهینه از فرصت های طبیعی، موقعیت ژئوپلیتیک و نیروی انسانی متخصص از ارکان توسعه منطقه ای است. در این راستا، ایجاد مدیریت یکپارچه منطقه ای باید در دستور کار قرار بگیرد، چرا که هماهنگی میان دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی به عنوان دو بازوی توسعه، می تواند مسیر پیشرفت را هم افزا و نظام مند کند. شاخص دیگری که باید در این حوزه مدنظر قرار بگیرد، بحث ناترازی هادر بخش های مختلف نظیر انرژی، تأمین مالی و... است که تشدید بحران در آن ها می تواند عدم تحقق اسناد آمایش را موجب شود.



قدمت ورزش نوین در خراسان به اواخر قرن ۱۳ خورشیدی برمی گردد. در حدود ۱۲۰ ساله که از اولین نشانه های بروز ورزش های نوین در مشهد می گذرد، صدها ورزشکار در رشته های مختلف افتخارا فرینی کرده اند. نام هایی که برخی از آن ها نه تنها در تاریخ ورزش خراسان، بلکه در پهنه ورزش ایران ماندگار شده اند. آنچه در ادامه می خوانید، معرفی یکی از این صدها بزرگ ورزش خراسان است که به همت و تلاش ستودنی حسن باغبان در چهار جلد کتاب ارزشمند دایرةالمعارف نامداران ورزش خراسان گردآوری و تدوین شده است.

حسین جعفرزاده موسوی، از نامداران ورزش باستانی خراسان، در هفتم مرداد سال ۱۳۱۰ دیده به جهان گشود. پدرش، طاهرا، از صرافان مشهد بود و حسین دومین فرزند خانواده به شمار می رفت که در کوچه با میرزای ته پل محله دوران کودکی خود را سپری کرد. دوران ورزشش از مقطع دبستان شروع شد که اولین بار حدفاصل میدان ملک آباد تا بیمارستان امام رضا (ع) را دوید و به مدال قهرمانی دست یافت. او سپس عضو باشگاه تربیت بدنی شد، اما نحوه ورودش به ورزش باستانی متفاوت از این بود. خودش گفته است: «پدرم شبیه خوانی می کرد و خودش هم اشعاری درباره امام حسین (ع) می گفت. در آن زمان ترشیزیان مرشد بزرگ زورخانه ما بود و پدرم در هفده سالگی دست من را در دست او گذاشت و او مرا به باشگاه جوانان و گود زروخانه توس در کوچه باغ عنبر برد. در کنار گود تشک کشتی بود و من همان جاکشتی را فرا گرفتم و از مربیگری افرادی چون قاسم قدایی، عنبران، ترشیزیان و غلامرضا گلکار بهره مند شدم. آن زمان رسم بود که بعد از ورزش داخل گود رخصت خواسته و حریف طلب می کردند و کشتی می گرفتند. کشتی هم به این صورت بود که باید کمر حریف را می گرفتی و از گود به بیرون پرتاب می کردی، یا باید تخت پشت حریف به زمین می خورد. حتی برای اینکه زانو نزنند، زانو بند می که روی آن آئینه نازکی چسبانده شده بود، می بستند تا زمانی که کشتی گیر زانویش به زمین خورد، شکسته شود و همه متوجه شوند که زانو به زمین خورده است و بازنده اعلام شود.» جعفرزاده سال ها در ورزش باستانی حضور داشت و افتخارات فراوانی به دست آورد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. او در سال ۱۳۶۷ دوره داوری درجه ۳ سنگ، کباده، چرخ و میل بازی را گرفت و سال ها با عناوینی چون دبیری هیئت کشتی پهلوانی و باستانی استان، سرپرستی تیم های اعزامی استان، عضویت در کمیته فنی هیئت و... به جوانان این شهر و استان خدمت کرد. او در سال ۱۳۸۰ حکم حق احترام زنگ از درب زورخانه های کل کشور را از سوی فدراسیون ورزش های باستانی و کشتی پهلوانی کشور گرفت.

ورزش بانوان

کوتاه ترین فصل لیگ برتر بانوان به پایان رسید تکرار رتبه آخر لیگ بدمیتتون مشهد



مژده رنگیان

لیگ برتر بدمیتتون بانوان جام خلیج فارس با تکرار قهرنشینی نماینده مشهد به پایان رسید. بیست و سومین دوره رقابت های لیگ برتر بدمیتتون بانوان با حضور فقط چهار تیم شرکت کنند، به صورت رفت و برگشت در دو نیم فصل و در شش هفته برگزار شد و رکورد کوتاه ترین فصل لیگ برتر این رشته زده شد. هفته ششم و آخر لیگ برتر بانوان با شروع زمستان ۱۴۰۳ همراه شد که تیم درخشان زنجان با نتیجه ۳ بر ۲ به نوبان تهران باخت، اما این تیم در هفته پنجم قهرمانی خود را قطعی کرده بود و به این ترتیب جام طلایی رنگ قهرمانی را از آن خود کرد. همچنین در هفته پایانی تیم شهیدفخار مشهد باید مقابل تیم فرهنگد قم به میدان می رفت. این رقابت در تالار بدمیتتون مرحوم فرهنگد موحد قم پیگیری شد و به سود میزبان به پایان رسید. تیم فرهنگد در این دیدار موفق شد نماینده مشهد را با حساب ۵ بر ۰ شکست دهد و به عنوان نایب قهرمانی برسد. در این دوره از رقابت ها فرهنگد قم، شهیدفخار مشهد، درخشان زنجان و نوبان تهران حضور داشتند که در پایان درخشان زنجان با پنج پیروزی و یک شکست، فرهنگد قم با چهار پیروزی و دو شکست، نوبان تهران با دو پیروزی و چهار شکست و شهیدفخار مشهد با یک پیروزی و پنج شکست به ترتیب مقام های اول تا چهارم لیگ برتر را از آن خود کردند. تیم مشهد فقط در هفته نخست دور رفت توانسته بود به پیروزی برسد و پس از آن دیگر رنگ پیروزی را ندید. تیم شهیدفخار بدون داشتن اسپانسر و با حمایت هیئت استان ششمین سال پیاپی در لیگ برتر بدمیتتون شرکت کرد، اما اوسال نیز همچون دوره های گذشته در انتهای جدول رده بندی لیگ جای گرفت و در بین چهار تیم، چهارم شد. البته در همه این سال ها این تیم پشتوانه ای برای دختران جوان مشهدی بوده است تا بتوانند با حضور در مسابقات سطح بالا، خود را آماده تر کنند. این سرمایه گذاری تا حدودی جواب داد و بیش از شش دختر استان به اردوهای ملی دعوت شدند و در رنکینگ کشوری جایگاه های مطلوبی به دست آوردند. از سوی دیگر، لیگ برتر بدمیتتون بانوان با رکود روبه رو شده است و درحالی که سال های گذشته این مسابقات با حضور پنج تیم پیگیری می شد، نسخه ۱۴۰۳ لیگ بدمیتتون بانوان فقط با حضور چهار تیم پیگیری شد. کمبود تیم در لیگ بدمیتتون زنان یکی از چالش های همیشگی این رشته در ایران بوده و حالا این مشکل به اوج رسیده است.

جدال سخت آوانا با نماینده دسته سوم فوتبال تهران

هفته هشتم رقابت های لیگ دسته سوم فوتبال کشور امروز برگزار می شود و در یکی از این دیدارها تیم آوانای مشهد در ورزشگاه امام رضا (ع) میزبان تیم صالحین تهران است. این بازی از ساعت ۱۴ آغاز می شود و شاگردان سعید خانی برای شکست دادن این تیم تهرانی کار آسانی ندارند. صالحین هم اکنون با سیزده امتیاز در رده سوم جدول قرار دارد و این درحالی است که آوانا با ۹ امتیاز در مکان هفتم قرار گرفته است. در این گروه دوازده تیم حضور دارند و طبق آیین نامه مسابقات دو تیم صعود و چهار تیم سقوط می کنند.

سرمربی مشهدی شمس آذر قزوین مزد غول کشی خود را گرفت

مهاجری بهترین مربی هفته سیزدهم شد

محمدرضا مهاجری به عنوان برترین مربی هفته سیزدهم لیگ برتر فوتبال انتخاب شد. رضا مهاجری که در هفته پنجم بعد از باخت به تراکتور از تیم خبیر خرم آباد برکنار شده بود، این هفته با تیم شمس آذر، پرشورها را در خود تبریز شکست داد تا به حق، بهترین مربی هفته شود.



ادامه نمایش های ناامیدکننده نماینده والیبال مشهد با یک شکست سریع دیگر

باخت در ۵۵ دقیقه!



عکس: محمدحسن صلواتی اشورا را

ها در کنار دریافت های ضعیف و سردرگمی بازیکنان سپهرصدرا باعث شد تا امتیاز ۱۳ بر ۹ روی تابلو نقش ببندد. در نهایت بازمه اشتباهات فردی متعدد بازیکنان سپهرصدرا که بیشتر به دلیل نداشتن تجربه و تمرکز بود، همان سریال تکراری باخت را رقم زد. این دست بازی با نتیجه ۲۵ بر ۱۹ به سود شهرداری ارومیه رقم خورد و تیم مهمان اندکی اذیت شد اما در نهایت برنده این دست هم شد تا در مجموع، بازی ۲ بر ۰ به سود مهمان شود.

● **دست سوم** همان همیشگی این دست بازی بیشتر به حاشیه ها و اتفاقات بیرون زمین اختصاص داشت؛ هرچند که داخل زمین همه چیز همان همیشگی بود. بازی ضعیف و پراپراد سپهرصدرا مقابل تیم مهمان، در نهایت نتیجه و سه امتیاز را به حساب شهرداری ارومیه واریز کرد تا جایگاه این تیم در صدر و جایگاه سپهرصدرا در قعر محکم تر از همیشه شود.

● **حاشیه های بی پایان سالن مهران** سالن قدیمی و خاطره انگیز مشهد که این روزها خبرهایی درباره تخریب آن به گوش می رسد، دیروز یکبار دیگر صحنه اعتراض هواداران والیبال به نحوه مدیریت ورزشی مدیران و مسئولان شهر مشهد شد. این اعتراضات در اواسط دست سوم به اوج رسید؛ جایی که تیم میزبان با پنج امتیاز از مهمانش عقب افتاده بود و یک اشتباه داوری به یک باره هواداران

احسان سرفرازی

نماینده والیبال مشهد برنامه ای برای بهبود ندارد و به نظر می رسد از همین حالا باید خودمان را برای سقوط این تیم ولیگی بدون تیم مشهدی در سال آینده آماده کنیم. روز گذشته تیم سپهرصدرا بازمه خرق عادت نکرد و با اینکه خبرهای خوبی در دو سه روز اخیر از این تیم به گوش می رسید طبق همان برنامه قبلی اش یک شکست دیگر را تجربه کرد تا تیم های حریف بیشتر برای زیارت به مشهد بیایند و در کنار ریکاوری روحی و روانی، یک برد را هم به کارنامه شان اضافه کنند. بی شک دیروز و در سالن مهران کسی انتظار معجزه از نماینده قعر نشین و بحران زده مشهدی ها در لیگ برتر والیبال امسال نداشت، اما خواسته هواداران و عاشقان والیبال، ارائه نمایشی آبرومندانه بود؛ کاری که در نهایت عملی نشد و تیم سپهرصدرا یک شکست دیگر را هم در کارنامه اش ثبت کرد تا سندن شش دانگ قعر جدول رده بندی لیگ برتر را به نام خودش بزنند. آنها در روز یکه میزبان تیم شهرداری ارومیه بودند در یک جدال کاملاً نابرابر به سرعت و در عرض ۵۵ دقیقه بازی را به حریف خود واگذار کرده و خیال همه را راحت کردند! بدین ترتیب بازی دو تیم صدرنشین و قعرنشین جدول با نتیجه ۳ بر ۰ به سود تیم مهمان به پایان رسید تا در روزی که اکبر خداوردی به دلیل صادرنشدن کارت، اجازه نشستن روی نیمکت را نداشت، یک باخت دیگر به نام نماینده مشهد ثبت شود.

● **دست اول**ا کسی روی این تیم حساب نمی کند بازی هنوز سروشکل درست و حسابی نگرفته بود که اختلاف پنج امتیازی ایجاد شد و تیم میزبان از همان ابتدا خودش را به حریف قعر جدولی تحمیل کرد. دریافت های ضعیف بازیکنان جوان و بی تجربه سپهرصدرا در کنار دفاع پراز ایراد بازیکنان این تیم باعث شد تا در پایان نتیجه یک طرفه ۲۵ بر ۱۳ به سود شهرداری ارومیه روی تابلو نقش ببندد. در این دست اشتباهات فردی متعدد بازیکنان سپهرصدرا و نداشتن تمرکز لازم در رقم خوردن این نتیجه بی تأثیر نبود، البته به نظر می رسید داور در چند صحنه

● **دست دوم** خوش حالی های زردگذر ابتدای این دست با اشتباهات فردی بازیکنان شهرداری ارومیه همراه بود و حتی سپهرصدرا با امتیاز ۹ بر ۷ از حریف جلو افتاد، اما این نهایت شادی و خوش حالی مشهدی ها در این بازی بود؛ سرویس های بی نقص پوریا فیاضی بازیکن زبده و ملی پوش آذری

مربی مشهدی، گزینه جدی تیم بحران زده تهرانی

هوادار دوباره هواخواه عنایتی شد!

حمیدرضا معصومیان

مربی مشهدی و پیشکسوت فوتبال استقلال و ابومسلم ممکن است به تیم فوتبال هوادار برگردد. هواداری ها که در پایان سیزدهمین هفته رقابت های لیگ برتر در فاصله پنج امتیازی رتبه چهاردهم جدول رده بندی قرار گرفته اند، به سیاق فصل گذشته در عدد سیزده که انگار برای آن ها نحس شده است، باز هم با کناره گیری یک سرمربی استقلالی به دلیل کسب نتایج ضعیف روبه رو شده اند. سید مهدی رحمتی که با توپ پر به این باشگاه آمده بود، پس از کسب نتایج ضعیف و دور از انتظار از نظر مدیران باشگاه هوادار، استعفا کرد با به نوعی اخراج شد تا این تیم تهرانی هم مثل تیم برطرف دار همشهری اش، پرسپولیس، با بحران جایگزینی سرمربی روبه رو شود. حالا از گوشه و کنار باشگاه هوادار خبر می رسد که مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره مجموعه پایتخت نشین روی دو گزینه نهایی به جمع بندی رسیده اند؛ یکی رضا عنایتی که



گروه گزارش



یکی از اصول اساسی تقنین، کندوکاو مباحث علمی درباره یک مسئله است و به معنای دیگر، قانون‌گذاری در موضوعات مختلف بدون دارا بودن پایه‌های علمی و پژوهشی، راه به جایی نمی‌برد. شورای اسلامی شهر مشهد نیز تقریباً از سال‌های ابتدایی آغازبه‌کار خود با درک این موضوع مهم، به عنوان نخستین پارلمان شهری کشور، سازوکاری به نام «مرکز پژوهش‌ها» را پدید آورد تا از یک سو با استنادهای علمی و منطقی و ازسوی دیگر با ابزار پژوهش، بتواند قوانینی را از سر بگذراند که هم از نظر دقت و ضمانت اجرا حرف‌های زیادی برای گفتن و هم کمترین تداخل را با قوانین بالادستی داشته باشد. حالا عمر این مرکز علمی به بیست سال رسیده است و هفته پژوهش، فرصت مغتنمی است تا نیم‌نگاهی به پیشینه و کارکردهای اجتماعی و شهری این نهاد بیندازیم.

مرکز پژوهش‌ها؛ جوان ۲۰ساله شهر



مهدی ناصحی

خراسان در تاریخ، همواره مرکز و قطب علم و ادب ایران و جهان اسلام، شناخته شده است و این موضوع را نمی‌توان جز در سایه برکات حضور مضجع منور عالم آل محمد (صلوات...) علیه‌م اجمعین) در قلب خراسان، «توس کهن»، تحلیل و معنا کرد. مراکز علمی و پژوهشی این دیار و حکیمان، عالمان و دانشوران آن، همواره مرجع توسعه و ترویج علوم و فنون مختلف بوده‌اند. امروز مشهد مقدس به عنوان دومین کلان‌شهر کشور، به دلیل وسعت و جمعیت، با انبوهی از مسائل مواجه است که حل و فصل آن‌ها تنها با رویکردی مبتنی بر منطق و مدیریت دانش امکان‌پذیر است. مدیریت شهری مشهد مقدس که مخترع به میزبانی و خدمت‌رسانی به زائران و مجاوران حرم قدسی رضوی است، به عنوان اولین کلان‌شهر کشور در پارلمان شهری خویش، به تأسیس مرکز پژوهش‌ها به عنوان حلقه وصل جامعه علمی تخصصی و نظام سیاست‌گذاری شهری اقدام کرده



الوه‌سادات ذوقی حسینی

«مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد با تکیه بر تحلیل‌های علمی، آینده‌پژوهی و ارائه راهکارهای علمی و قابل‌اجرامی تواننده عنوان یک بازوی قدرتمند برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران شهری عمل کند و کیفیت خدمات ارائه شده به شهروندان را به‌طور چشمگیری بهبود ببخشد». الهه سادات ذوقی حسینی، رئیس اسبق مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد در دوره ششم مدیریت شهری، این جملات را می‌گوید و ادامه می‌دهد: این مهم می‌تواند به کمک پیوند دانش و تصمیم‌سازی، شناسایی و اولویت‌بندی مسائل شهری، آینده‌پژوهی و رصد تغییرات، افزایش شفافیت و مشارکت و ارائه ابزارهای نوین برای حل مسائل، تقویت یافته‌تر و مؤثرتر شود.

به‌گفته‌او، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد می‌تواند با ارائه مطالعات علمی، مبتنی بر داده‌های واقعی و تحلیل‌های دقیق، شکاف میان دانش نظری و فرایند تصمیم‌گیری را پر کند. این امر به مدیران شهری کمک می‌کند تصمیماتی مبتنی بر شواهد و داده‌های عینی بگیرند که این خود باعث کاهش خطاها و افزایش کارایی می‌شود. به این ترتیب، پیوند دانش و تصمیم‌سازی محقق می‌شود. ذوقی با اشاره به اینکه یکی از وظایف مهم مرکز پژوهش‌ها، شناسایی مسائلی اصلی شهر و اولویت‌بندی آن‌ها براساس اهمیت و تأثیرگذاری است، یادآوری می‌کند: این کار به مدیران امکان می‌دهد که منابع محدود را در حوزه‌هایی با بیشترین تأثیرگذاری متمرکز کنند. وی در زمینه آینده‌پژوهی و رصد تغییرات نیز می‌گوید: مرکز پژوهش‌ها می‌تواند با مطالعه روندهای جهانی و ملی، پیش‌بینی تغییرات آتی و ارائه سناریوهای مختلف، به مدیران کمک کند تا تصمیمات راهبردی و پایدار بگیرند و شهر را در برابر چالش‌های آینده مقاوم‌تر کنند. ذوقی تأکید می‌کند: استفاده از پژوهش‌های دقیق و انتشار نتایج آن‌ها، می‌تواند به شفافیت بیشتر تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. این شفافیت باعث جلب اعتماد عمومی می‌شود و زمینه مشارکت

پشتوانه علمی شورا



فتی‌ابراهیمی‌سازلی

اصولاً مراکز پژوهشی چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس محلی (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و مراکز پژوهشی شوراها) با تأکید بر عنصر آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، معین و دستیار علمی نمایندگان مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در نهادهای مدیریتی گوناگون هستند. عموماً نمایندگان و مدیران شهری چه در کشور ما و چه در سایر کشورها در مقاطع زمانی کوتاه مدت در مسند سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر امور مختلف شهری قرار می‌گیرند، بنابراین از یک سو از پیشینه تجربی کافی در زمینه همه موضوعات علمی تخصصی مرتبط برخوردار نیستند و از سوی دیگر با توجه به دوره‌های کوتاه مدت خدمت، به این سمت گرایش می‌یابند که تصمیم‌گیری‌ها نیز عموماً معطوف به این بازه‌های زمانی (به عنوان مثال چهارساله) باشد. بر این اساس، مراکز پژوهشی با نگاهی به عنصر آینده‌نگری که جزئی از ذات پژوهش‌های علمی تخصصی است و با تشخیص صحیحی از شبکه مسائل موجود و مورد نیاز شهروندان، می‌توانند به تعیین و تدوین طرح‌ها و پژوهش‌هایی اقدام کنند که فراتر از مصلحت‌های کوتاه‌مدت جناحی در راستای رفع نیازهای بلندمدت مردم و ارتقای کیفیت‌های محیطی شکل گرفته‌اند. با عنایت به اینکه امروزه شهرداری‌ها به ویژه در کلان‌شهرها از نظر دانش و تجربه از جایگاه غنی‌تری برخوردار شده‌اند، بسیاری از طرح‌های اجرایی کاربردی از طریق این نهاد، تهیه و به شوراها ارائه می‌شود و از آنجایی که اعضای شوراها از دانش تخصصی کافی در همه ابعاد علمی برخوردار نیستند، امکان بررسی و راستی‌آزمایی نتایج به‌طور کامل فراهم نیست. لذا مرکز پژوهش‌ها می‌تواند به راستی‌آزمایی دقیق و علمی داده‌ها و خروجی این طرح‌ها کمک‌شایان توجهی کند. باید توجه داشت مراکز پژوهشی در صورتی که در طول زمان

قانون‌گذاری شهری

نگاهی به مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد که ب



۱۲بر مسئله نظام برنامه ریزی در مدیریت شهری



حسین حسامی

امام جواد^(ع) کسی که کاری را بدون علم و دانش انجام دهد، افسادش بیش از اصلاحش خواهد بود. نظام برنامه ریزی در مدیریت شهری کلان‌شهرها با دو ابرمسئله مواجه است: مسائل و چالش‌های نامحدود و منابع محدود. از طرفی تنوع مسائل کلان‌شهرها در حوزه‌های مختلف از جمله محیط زیست، بهداشت، عمران، حمل‌ونقل، انرژی، شهرسازی و... و ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی آن‌ها و از طرف دیگر محدودیت فعلی منابع مالی پایدار، فرایند پیچیده تعریف پروژه‌ها و تخصیص منابع را دچار دشواری بیش از پیش می‌کند.

در پاسخ به سؤالات برآمده از شرایط فوق، مدیریت‌های شهری در دهه‌هایتمادی با بهره‌گیری از توان فنی و تخصصی مجموعه نیروهای مطالعاتی کشور، اقدام به تعریف و انجام مطالعات گوناگون و متعدد کرده است. در این میان، میزان بهره‌وری نظام



محمدرضا حاجی‌نیکار

۱. شهرهای ایران با وجود فرصت‌های زیادی که برای بهبود زندگی شهروندان به بار آورده‌اند، همچنان درگیر نارسایی ساختاری و کارکردی هستند. سؤال کلیدی این است که چگونه می‌توان به شناخت فنی نارسایی‌ها و چالش‌های شهرها و سکونتگاه‌های ایران پرداخت و چاره‌برون‌رفت از این حجم انبوه شده مسائل شهری ایران چیست؟

۲. بررسی‌ها و تجربیات نشان می‌دهد، که چاره شناخت دقیق چالش‌ها و همچنین برون‌رفت از

مرکز پژوهش‌ها

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد مقدس در سال ۱۳۸۳ با اتکا به تخصص‌ها و مطالعات فراهم‌آمده، بهره‌گیری از آن‌ها و همچنین استفاده از ظرفیت سازمان‌های دیگر و کارشناسان مرتبط در شناخت کارشناسانه مسائل و پاسخگویی به نیازهای نو در تدوین سیاست‌ها و نظارت بر اجرای سیاست‌ها بنا نهاده شده است.



س باچاشنی پژوهش

عمر دو دهه ای خود، بازوی علمی پارلمان شهری بوده است



توسعه گفتمان علمی در شهر



زهره حسینی

بیست سال از آغاز به کار مرکز پژوهش هادر شورای اسلامی شهر مقدس مشهد می گذرد و همگام با طی سال های رشد این نهال مقدس، بیست سال از عمر خانواده بزرگ مرکز پژوهش ها متشکل از رؤسا، معاونان، کارشناسان خبره تخصصی و همچنین جامعه متخصصان همکار مرکز گذشته است. برای من به عنوان قدیمی ترین کارشناس حاضر در جمع کنونی کادر مرکز پژوهش ها که توفیق داشته ام قریب به هفده سال از این دوره بیست ساله رادر جمع این خانواده سپری کنم، هفته پژوهش یادآور خاطرات تلخ و شیرین گوناگونی از تلاش و ممارست این خانواده در جهت افزایش کیفیت نظام سیاست گذاری شهری است. در فرایند طراحی و تصویب لوایح، طرح ها و دیگر تصمیم های شوراهای اسلامی شهر، به طور معمول دو گفتمان سیاسی و علمی، مؤثر و در تقابل با یکدیگرند. طبیعتا نمی توان بر نقش و ماهیت سیاسی شوراهای اسلامی شهر چشم

پوشید. فرایند انتخابات شوراهای اسلامی شهرها به طور اجتناب ناپذیر بر کیفیت سیاست گذاری این نهاد مؤثر است و تا حدودی می تواند حائز جنبه های مثبتی نیز باشد اما این موضوع نمی تواند مؤید غلبه گفتمان های سیاسی بر گفتمان های علمی در فرایند سیاست گذاری باشد. در تمام سال های گذشته، تلاش مرکز پژوهش ها با هدف حفظ، پایداری و توسعه گفتمان علمی و همچنین غلبه آن بر گفتمان های سیاسی رایج در شوراهای اسلامی شهر بوده است. با تمام چالش ها و مشکلات موجود در مسیر مرکز پژوهش ها، مسلما هیچ مؤلفه ای بیشتر از دغدغه مندی و باورهای عمیق به ارزش نامتناهی تلاش برای توسعه و پیشرفت مشهد عزیز بیگانگان، انسجام این خانواده را حفظ نکرده است. از تلاش های خالصانه، متواضعانه و خیرخواهانه این جامعه شریف تشکر و قدردانی می کنم.

چالش های مرکز پژوهش ها



امیرحسین زاده

با عنایت به اینکه در ساختار و نظام شورایی، شوراهای اسلامی شهرها/کلان شهرها، دارای ساختار و جایگاه عملکردی نظارتی مشابهی با پارلمان ملی کشور یعنی مجلس شورای اسلامی، اما در مقیاس محلی هستند، ضروری است که پارلمان های محلی نیز مشابه پارلمان ملی، مجهز به یک بازوی علمی کارشناسی توانمند به نام مرکز پژوهش ها شوند. بر همین اساس، مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد مقدس به عنوان نخستین نهاد پژوهشی پارلمان های محلی در کشور شکل گرفت و به تاسی از آن، شوراهای اسلامی سایر کلان شهرها نیز به تشکیل و ایجاد مراکز پژوهشی مشابه اقدام کردند. در دهه ۹۰ شمسی، مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد باتوجه به پیشینه کارشناسی و فنی آن، عهده دار هدایت دبیرخانه دائمی مراکز پژوهشی شوراهای اسلامی کشور شد.

مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد مقدس در طول این سال ها تلاش کرده است که نظیر مأموریت ها و وظایف مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، از طریق، اعلام نظر کارشناسانه درباره طرح ها و لوایح، تنظیم و تدوین طرح های کاربردی، انتشار کتب، مقالات و نسخ علمی اجرایی مرتبط، برگزاری نشست های تخصصی، حمایت از پژوهش های کاربردی دانشگاهی و حتی فعالیت در زمینه آموزش به مدیران فعلی

و سرمایه های انسانی فعلی، به ارتقای کیفیت تصمیم گیری و سیاست گذاری های کلان مدیران شهری کمک شایان توجهی کند. اگرچه در طول زمان، کارشناسان و مدیران با بهره گیری از توان علمی فنی و اجرایی خود، برای پیشبرد هدف غایی و نهایی این مرکز تلاش کرده اند و گام های مؤثر و مفیدی نیز برداشته شده است. اما در انطباق با چشم انداز و اهداف کلان مدنظر مرکز پژوهشی یک پارلمان محلی آن گونه که شایسته و بایسته است، عملکردی کاملاً موفق نداشته است. در این میان برخی چالش ها همچون نمونه های زیر به کارا نبودن کامل و شایسته مرکز پژوهش ها منجر شده است. «پیش بینی نکردن جایگاه مرکز پژوهش ها در چارت سازمانی شوراهای اسلامی شهر.

«تأمین بودجه مرکز توسط شهرداری. «اختصاص پست ریاست مرکز به اعضای محترم شورا که به دلیل مشغله های فراوان، فرصت رسیدگی و نظارت کافی را در اختیار نداشته اند.

«اعتقاد نداشتن برخی مدیران به نقش و جایگاه مرکز. «تمرکز صرف بر مسائل مربوط به شهرداری، در حالی که وظیفه نظارتی شوراهای اسلامی شهرها و به تبع مراکز پژوهشی فراتر از عرصه اقدام شهری و مربوط به همه حوزه های کاری عملکردی و دانشی مرتبط با شهر و شهروندان است.

بازوی فکری پژوهشی برای مدیریت شهری



امیرحسین زاده

رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد در دوره چهارم مدیریت شهری

برای طرح در مجلس شورای اسلامی و اخذ مصوبات قانونی مربوط به ارتقا، بهبود و تسریع در حل مسائل مشترک کمک می کند.

برقراری کلاس های آموزشی در سطوح مختلف علمی برای منتخبان شورای اجتماعی محلات، کارشناسان و حتی مدیران شهری، با هدف آگاهی رسانی و آموزش مباحث پایه ای و نوین علمی و تخصصی به گروه های هدف.

از مهم ترین چالش هایی که به طور ویژه مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد مقدس نیز با آن روبه روست، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

بی توجهی به نقش علمی تخصصی آن ها، فارغ از همه گرایش های سیاسی و مدیریتی.

تعدد در تغییر و جایگزینی مدیران در طول دوره های کوتاه مدت که عموماً منبای تغییر در نوع نگاه و راهبردهای مدیریتی روبه روست، منجر به فاصله گرفتن مرکز از چشم انداز و ماهیت دانشی تخصصی خود می شود.

عدم بهره گیری از استنادان و خبرگان دانشگاهی در جایگاه مدیریتی این مرکز، در برخی ادوار زمانی که به نحوه انجام مطالعات و پژوهش های نظری کاربردی، آشنایی بیشتری داشته باشند و فارغ از گرایش های سیاسی و مدیریتی با اختصاص زمان بیشتر و ارتباطات گسترده تر با مراکز تخصصی دانشگاهی، می توانند به افزایش کیفیت طرح های پژوهشی مورد نیاز شهر کمک شایان توجهی کنند.

رعایت نکردن موازین حرفه ای و سفارشی سازی در فرایند تعریف و تهیه طرح های پژوهشی، منجر به فاصله گرفتن این مرکز از ماهیت اصیل پژوهشی آن می شود. در حالی که طرح های مطالعاتی باید بر اساس نیاز جامعه، مشکلات و مسائل شهری و با بهره گیری از نظرات خبرگانی، تعریف و تهیه و کاربردی شوند.

با عنایت به اینکه به لحاظ قانونی افراد می توانند با هر نوع تخصص حتی متفاوت یا بدون ارتباط مستقیم با مسائل و مباحث شهری، به عنوان عضو منتخب وارد شورای اسلامی شهرها شوند، وجود مرکزی که بتواند بستر سازی علمی تخصصی لازم و مورد نیاز اعضا را در فرایند سیاست گذاری های شهری فراهم آورد، ضروری تلقی می شود. این مرکز می تواند در سطوح مختلف به اعضای شورای شهر و حتی مدیران شهری، کمک فکری تخصصی لازم را منتقل کند و از طریق دست یابی به یک وفاق جمعی تخصصی به تحقق پذیری هرچه بیشتر مصوبات و موضوعات گوناگون منجر شود؛

ارائه نظرات کارشناسی درباره طرح ها و لوایحی که مدیریت شهری به شورای اسلامی ارسال و ارائه می کند. از طریق برگزاری جلسات هم فکری کارشناسی داخلی، نشست های تخصصی یا متخصصان خارج از مجموعه (در مقیاس کوتاه مدت)، ارائه نظرات کارشناسی در قالب انجام مطالعات پژوهشی تخصصی درباره موضوعات مختلف شهری، به فراخور نیازهای کمیسیون های مختلف در بازه های زمانی حداکثر شش ماهه، برای ارائه طرح ها و نظریه های پیشنهادی کمیسیون ها (در مقیاس میان مدت)، ارائه دیدگاه ها و رویکردهای تخصصی در قالب انجام مطالعات پژوهشی علمی، به فراخور نیازهای کمیسیون های مختلف در بازه های زمانی یک ساله (در مقیاس بلند مدت).

برقراری ارتباط با مراکز پژوهشی شوراهای اسلامی سایر کلان شهرها، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و سایر نهاد های علمی پژوهشی دانشگاهی و مردم نهاد، با بهره گیری از تجربیات مشترک و هم افزایی علمی و حتی مالی بود چه ای، از طریق تهیه طرح های پژوهشی کلان مقیاس تر درباره موضوعات مبتلا به کلیه شهرهای کشور و ارائه نتایج به شورای عالی استان ها

حلقه مشکلات شهری و سکونتگاه های دیگر، همانا پایبندی به پژوهش و علم است. از منظر دیگر ریشه نارسایی های کنونی نیز پشت پا زدن به روش های علمی و اندیشه های نوآورانه و خرد پایه است. بنابراین دیدگاه مستحکم و درست این است که هم ریشه نارسایی ها به بی توجهی به علم برمی گردد و هم چاره برون رفت به پایبندی به خرد و علم برمی گردد. در ظاهر و شعار، مدیران شهری به حوزه علم و پژوهش چراغ سبز نشان می دهند، اما در عمل و اجرا به دلایل گوناگون به دستاوردهای علمی اعتنائی نمی کنند. حقیقت این است که پایبندی به پژوهش، علم، فناوری و نوآوری مستلزم تغییر در تصمیمات و روش های مدیریتی است. از آن حیث که تغییرات سبب حذف تصمیمات از بالا به پایین و مدیریتی بی بنیان می شود، معمولاً مدیران به آن سوق ندارند.

۳. شکوفایی، پایداری و پیشرفت همه جانبه خیلی از شهرهای

دنیا که به الگو در نظام برنامه ریزی شهری دنیا معروف شده اند، تنها در سایه پایبندی به علم، تحقیق، پژوهش، نوآوری و فناوری بوده است. حکمرانی علمی و خردورزانه شاخص هایی دارد. به عبارت روشن تصمیم های علم پایه به بن بست نمی رسند و همواره بلند مدت با چالش روبه رو نمی شوند. گفت وگو کردن از حکمرانی شایسته علم پایه و پژوهش مینا در ظاهر ساده می آید اما در عمل تنها مدیرانی به آن تن می دهند که برای آینده میهن و فرزندان خود دغدغه مند هستند و به عبارت روشن تر تلاش می کنند آبادی و پیشرفت را به یادگار بگذارند. کمی این عبارت تلخ است؛ اما حقیقت این است که گرایش و سوق یافتن به گزاره های علمی و دانش بنیان خیلی از تصمیمات مدیران را به چالش می کشد. از یک سو مدیران دوست دارند در کوتاه ترین زمان منبعث از دانش محدود خود به نمایش دستاوردها بپردازند و از سوی دیگر محققان و پژوهشگران

کنند. به اطمینان می توان گفت در تجربیات جهان چاره جویی برای حل بحران های شهری در مسیر پایبندی به علم و پژوهش می گذرد. نمونه عینی این مهم حل بحران آلودگی هوا و کاهش مصرف انرژی در خیلی از کلان شهرهای دنیا از جمله توکیو، لندن و پاریس است. ۶. هفته پژوهش بهانه ای است که بتوانیم این قهر و دوری ناامیوم را کم کنیم. پایبندی حوزه اجرا را به علم و پژوهش بیشتر کنیم و از سوی دیگر محققان و پژوهشگران هم شهر و شهرداری ها را از آن خود و فرزندان خود بدانند.

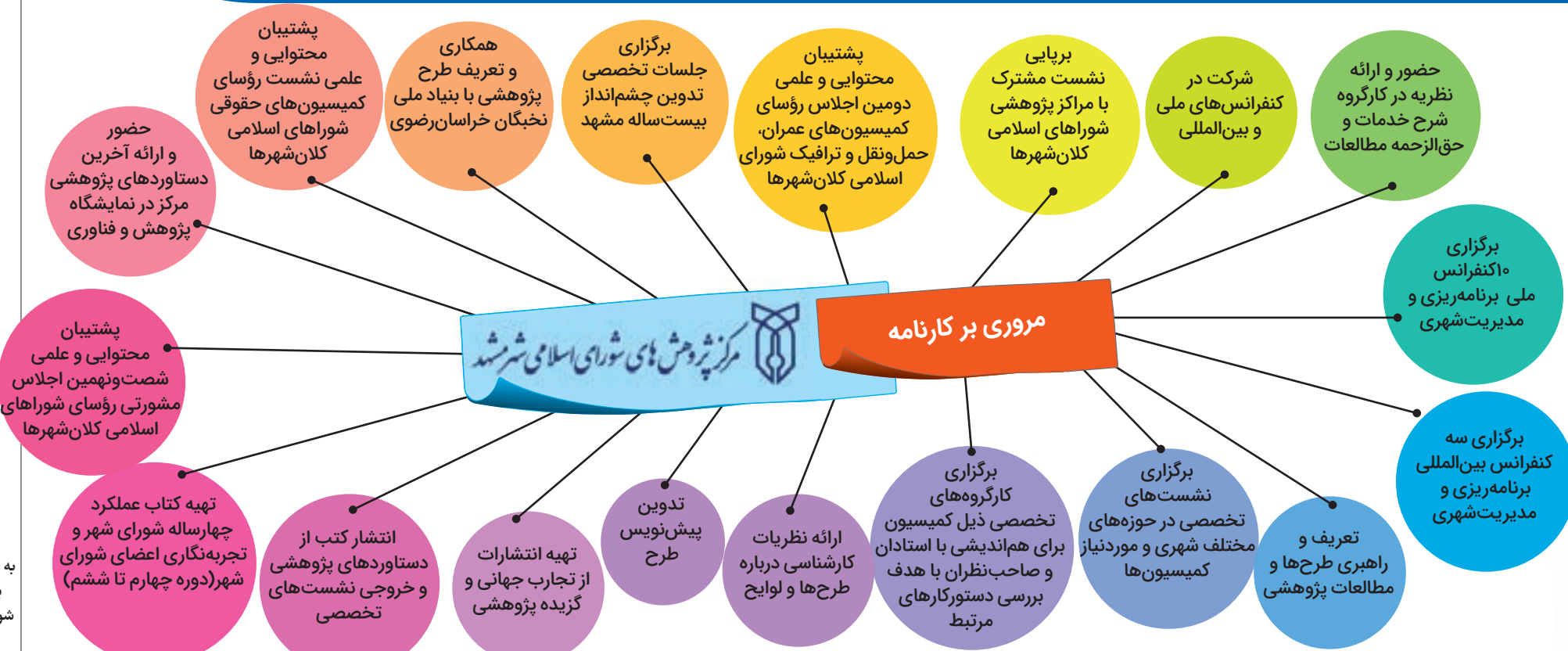
امیدواریم روزی برسد که ماسدات از تصمیمات فردی خود برداریم و تنها در سایه پایبندی به پژوهش و فناوری و نوآوری و علم و سیاست ورزی مدیریت کنیم. همان طور که رسول اکرم (ص) فرمودند: «طلب علم در نزد خدا از نماز و روزه و حج در راه خدا بتر است».

ش ها در یک نگاه

این مرکز با به کارگیری تمام توان موجود علمی و نخبگانی کشور و به ویژه شهر مشهد، اثربخشی کاملاً مؤثری در تصویب طرح ها و لوایح در صحن شورا دارد.

مرکز یاد شده به عنوان یک مرجع تخصصی بی طرف و مورد وثوق شورای اسلامی شهر، جامعه نخبگانی و پژوهشگران مطرح است.

مروری بر کارنامه



اضطراب زیاد تظاهر جسمی هم دارد



دکتر امیرحسین شاهرزاده
مشاور کودک و نوجوان

● **شهروند:** دخترم پیش دبستانی ۲ می رود. وقتی از من دور می شود، می گوید دل درد است. مدرسه را دوست دارد اما وقتی معلمش از کلاس بیرون می رود، دخترم هم می خواهد همراه معلمش بیرون برود. دوست ندارد بدون معلمش در کلاس تنها باشد. به تازگی باهم به کپوترانه حرم رفتیم. با علاقه زیادی وارد شد ولی آنجا هم از یکی از مربیان خواست که پیشش بنشیند و تنها پیش نگذار. ناگفته نماند که مشکل کم خونی هم دارد. زمانی که سطح اضطراب خیلی زیاد باشد، با تظاهرات جسمی مانند دل درد، تهوع و رنگ پریدگی همراه است. در چنین مواردی بازی درمانی و گاهی دارو درمانی مؤثر است.

● **شهروند:** یکی از هم کلاسی های دخترم هر روز فست فود و ساندویچ سرد و پیتزای می آورد و پیش بقیه بچه ها می خورد. معلمش به او تذکر هم داده است که وقتی پیش بقیه چنین خوراکی هایی می خوری، ممکن است دیگران هم هوس کنند. من خودم در گروه کلاسی تذکر داده ام که ممکن است بعضی خانواده ها توان تهیه چنین چیزهایی را نداشته باشند و خانواده های توانمند باید مراعات کنند. ولی مادر آن بچه بی توجه است. به نظرتان چگونه باید برخورد کنیم؟

هیچ مداخله ای از جانب والدین نباید صورت بگیرد. طبع کودکان باتوجه به رژیم غذایی خانواده هایشان تعریف می شود. بنابراین بهتر است شما فقط کودک خودتان را توجیه کنید که چرا نباید چنین مواد مضر را بخورد.

● **شهروند:** دخترم ۱۷ سال دارد و خیلی ترسو است. حتی از حیوانات کوچکی مانند جوجه هم می ترسد. چگونه می شود درمانش کرد؟ باتوجه به سنش این نوع ترس، فوبیای خاص محسوب می شود و چون تا حالا برطرف نشده است، نیاز به درمان تخصصی و روان درمانی دارد. این ترس ها معمولاً ریشه در ناخودآگاه دارند و فرد با آنکه می داند این ترس های مورد است، بازهم توانایی مقابله با آن ها را ندارد.

● **شهروند:** در کلاس پسر دانش آموزی هست که بچه ها را خیلی می زند و توهین می کند. هیکل درشتی دارد و براساس گفته های غیرمستقیم معلمشان بیش فعال است. اصلاً درس نمی خواند و مشق نمی نویسد و از این نظر برای بچه ها بد آموزی دارد. چند روز پیش با کتاب توی صورت یکی از بچه ها زد و چشمش آسیب دید. به خانواده اش گفتیم؛ به مدرسه هم گفتیم. ولی اصلاً ترتیب اثر ندادند. دائم تگرام به پسر ام آسبیی پرسیاند. به نظرتان چه کار باید کرد؟ انجمن اولیا و مربیان و مشاورها به همین منظور در مدرسه ها تشکیل شده اند. مشکل را با نماینده انجمن مطرح کنید و به شکل گروهی و مستند تصمیم بگیرید تا از طرف مسئولان موضوع جدی گرفته شود. این کودک به طور قطع نیازمند مشاوره است.

آرام بخش های طبیعی را بشناسیم

امیرمقدم! اگر جزو آن دسته افرادی هستید که تا کوچک ترین دردی به سراغشان می آید، قرص و کیسول می خورند، بد نیست، بدانید؛ خوراکی های آرام بخشی در طبیعت داریم که می توانند در زمان شدید نبودن درد به بهتر شدن حال شما کمک کنند بدون آنکه عوارضی از خود بر جای بگذارند. در ادامه با تعدادی از این آرام بخش های طبیعی آشنایی شویم.

آلبالو

میوه ترش و خوشمزه به ویژه نوع خشک و فریز شده آن دارای آنتوسیانین هایی است که می تواند به کاهش التهاب و درد کمک کند. این خاصیت مشابه برخی داروهای آرام بخش مانند ایبوپروفن یا ناپروکسن است که با مهار آنزیم های التهابی درکاهش درد کمک می کند.

زغال اخته

زغال اخته نیز دارای آنتوسیانین های قوی است که خواص ضد التهابی و مسکنی دارد. این میوه می تواند به کاهش درد و التهاب کمک کند.

توت فرنگی و تمشک

آنتی اکسیدان ها و ویتامین C موجود در توت فرنگی و تمشک می توانند به کاهش التهابات مفصلی و دردهای عضلانی کمک کنند.

زنجبیل

زنجبیل با خواص ضد التهابی طبیعی که دارد برای تسکین دردهای مفصلی و عضلانی بسیار مفید است. مصرف این ادویه به طور منظم، آثار ضد درد را تقویت می کند.

کیوی

سرشار از ویتامین C است که می تواند به تسکین التهاب و بهبود سلامت مفاصل کمک کند.

زردچوبه

دارای کورکومین است. یکی از ترکیبات ضد التهابی قوی که می تواند در کاهش درد و التهاب مفاصل مؤثر باشد.

سبزیجات برگ سبز

سبزیجات برگ سبز مانند اسفناج و کلم بروکلی سرشار از کلسیم و مواد مغذی دیگری هستند که می توانند جایگزین خوبی برای لبنیات و مسکن طبیعی برای بدن باشند.

پرسش از شما، پاسخ از ما

همراهان گرامی می توانید پرسش های خود با موضوع پزشکی، روان شناسی و شخصیت شناسی را به روش های زیر با ما در میان بگذارید و در کوتاه ترین زمان ممکن پاسخ آن ها را در همین صفحه مشاهده کنید.

خواستگاری به سبک دیروز یا امروز؟

از هدف اصلی ازدواج در لابه لای زرق و برق زندگی دور نشویم

معصومه متین نژاد: «این آشنیه که اونا برام یختن. حالا هم خود شون تحویل بگیرند. تاکی باید تاوان اشتباه دیگران رو من بدم؟» این بار اولش نیست. هروقت با همسرش به اختلاف می خورد، همین بساط را راه می اندازد. چندین بار درباره شرایط زندگی یکی دیگر از دوستانم با او صحبت کرده ام. دوستی که از این ازدواج های مدرن داشته و باز هم کارش به جدایی کشیده است. ولی نمی دانم چرا هر بار موضوع را فراموش می کند و باز برمی گردد سر موضع خودش. احساس می گوید او از این ترفند فقط برای خلاص شدن خودش از مسئولیت مشکلاتش استفاده می کند. مسئله را که یاد کمتر زهره معینی از روان شناسان و مشاوران خوب خانواده در میان می گذرم، نظرم را تأیید و در ادامه به نکاتی اشاره می کند که شنیدنش برای همه ضروری است، به ویژه کسانی که در آستانه ازدواج به سر می برند. گفت و گویی که در ادامه چکیده ای از آن را باهم می خوانیم.



خواستگاری مدرن یا سنتی؟

پاسخ به اینکه یک ازدواج پایدار باید بر مبنای خواستگاری سنتی شکل بگیرد یا خواستگاری مدرن، چیزی شبیه پاسخ به پرسش فلسفی ابتدای امر بوده یا تخم مرغ است. بنابراین خیلی مهم است که پیش از تصمیم گیری در این باره با برش مردن نقاط قوت و ضعف این دو نوع خواستگاری به شناخت بهتری از آن ها برسیم.



ازدواج مدرن = خودمحور

ازدواجی که دختر و پسر در فضای اجتماعی با یکدیگر آشنا می شوند و پس از رسیدن به قطعیت در تصمیمشان خانواده ها را در جریان قرار می دهند. ازدواج مدرن نامیده می شود.



ازدواج سنتی = خانواده محور

ازدواجی که با پادرمیانی خانواده ها شکل می گیرد و در آن خانواده پسر، دختری را برگزیده و سپس دختر و پسر وارد مرحله انتخاب و تصمیم گیری می شوند. ازدواج سنتی نام دارد.

وابستگی و دل بستگی

در ازدواج های سنتی چون خانواده ها تصمیم گیرنده هستند. حتی اگر خواستگاری به مرحله پایانی خودش هم رسیده باشد، راحت تری توان آن را به هم زد. ولی در ازدواج های مدرن به علت درگیر شدن احساسی افراد، این کار بسیار سخت اتفاق می افتد و دوطرف خیلی وقت ها ناگزیر به نادیده گرفتن مشکلات خواهند شد.

عقلانیت و احساس

در ازدواج های سنتی این خانواده است که قدم اول را برای انتخاب برمی دارد. بنابراین تصمیم گیری ها از فضای احساسی بسیار دور و عاقلانه صورت می گیرد. در حالی که در ازدواج های مدرن همه چیز بر پایه احساس دو جوان پیش می رود و منطق خیلی درگیر نمی شود.

فرصت شناخت

معمولاً در ازدواج های سنتی میزان شناخت خانواده ها از هم زیاد است و با همین شناخت وارد مرحله خواستگاری می شوند. در عوض شناخت دختر و پسر از هم کمتر است. در نقطه مقابل، در ازدواج های مدرن شناخت خانواده ها از هم بسیار کم و شناخت دختر و پسر از هم بسیار زیاد است، چون زمان طولانی تری را در کنار هم سپری کرده اند.

امنیت روانی

در خواستگاری های سنتی دختر و پسر نیازی ندارند که رابطه خود را از خانواده ها و دیگران پنهان کنند. در نتیجه امنیت روانی بیشتری در آشنایی های خود دارند. در حالی که در خواستگاری های مدرن به علت پنهان کاری دختر و پسر این امنیت خاطر تا مرحله پایانی وجود ندارد.

تناسب خانوادگی

در خواستگاری های سنتی ملاک های انتخاب بسیار منطقی تر از خواستگاری های مدرن است. در نتیجه پایداری بیشتری می شود. برای نمونه انتخاب دختر یا پسر بر اساس ویژگی های خانوادگی صورت می گیرد. به عبارتی معمولاً دو خانواده از تناسب و تراز بیشتری باهم برخوردارند. در حالی که در خواستگاری های مدرن، توجه به خانواده های دوطرف آخرین گزینه است.

صمیمیت و بروز

از آنجایی که خواستگاری های سنتی در فضایی رسمی اتفاق می افتند و با حضور خانواده ها پیش می روند، معمولاً شاهد نزدیکی و صمیمت زیادی هم نیستیم و افراد به شناخت بهتری از هم نمی رسند، در حالی که صمیمیت و نزدیکی زیاد در ازدواج های مدرن فرصت بروز بیشتری را به زوج های آینده می دهد.

تحمل و تاب آوری

تحمل و تاب آوری در ازدواج های سنتی به علت درگیری خانواده ها معمولاً بالاتر است و دوام و پایداری ازدواج را بیشتر تضمین می کند. ولی در ازدواج های مدرن چون تصمیم گیری بیشتر در سطح فردی اتفاق می افتد، شاهد تحمل و تاب آوری کمتری از دوطرف هستیم.

مسئولیت پذیری

شاید نقطه قوت ازدواج های مدرن را باید در مسئولیت پذیری بالاتر زوج های آن دانست. چون این ازدواج بر اساس نظر و انتخاب آن ها شکل گرفته است معمولاً مسئولیت پذیرتر هستند. در حالی که در ازدواج های سنتی معمولاً زوج ها مسئولیت را برگردن خانواده ها می اندازند و خیلی وقت ها از زیر بار مشکلات شانه خالی می کنند.

مهم تر از مهم

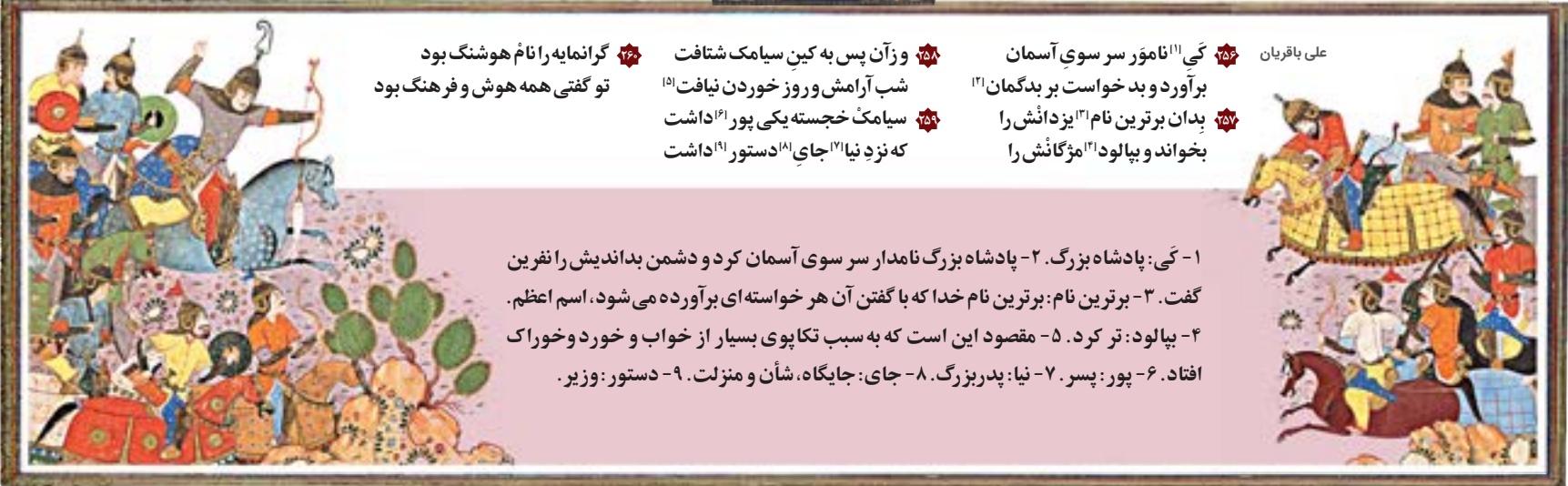
«مگه قرار با مامان پسر ازدواج کنم؟» «مگه دارم میرم خواستگاری ما من؟!» «من می خوام با خود ش زندگی کنم، نه با خانواده اش!» تا دلتان بخواد ازدواج های ما پسر از این گزاره های اشتباه است. واقعیت این است که دختر و پسر محصول خانواده هایشان هستند. به اصطلاح میوه پای درختش می افتد. از این رو باید پذیریم که هرچه شناخت از یک خانواده بیشتر باشد، شناخت از همسر آینده هم بیشتر خواهد بود. در واقع شما با این شناخت چند سال جلوتر از مسیری حرکت خواهید کرد که قرار است، پس از این دونفری طی کنید. پس هیچگاه خانواده طرف مقابل را نادیده یا کم اهمیت نگیرید، حتی اگر او در شهر دیگری و به دور از خانواده اش زندگی می کند. بنابراین ۵۰ درصد تصمیم گیری ها و آشنایی برای ازدواج را باید به خانواده ها اختصاص داد.

خواستگاری های نو مدرن

این روزها آفت تازه ای به جان خواستگاری های سنتی افتاده و با چشم و هم چشمی های خانواده های یکبار دیگر ازدواج منطقی از مسیر درستش خارج شده است. درباره خواستگاری های به اصطلاح نو مدرن حرف می زنیم که در آن ها جریان خواستگاری سنتی در قالبی از تفاخر و به رخ کشیدن پیش می رود. یعنی به جای اینکه خانواده هادر بستر فضای خانوادگی جریان ازدواج را پیش برند، از فضا های لوکسی مانند هتل شاپ ها و باغ ها برای آشنایی و رفت و آمد استفاده می کنند. در حالی که نقطه قوت ازدواج های سنتی شناخت بهتر دختر و پسر و خانواده هایشان از هم در فضای امن، صادقانه و بدون «روتوش» خانواده هاست و ما با این کار یک بار دیگر به جای قدرت منطق، قدرت احساس و چشم را درگیر انتخاب و تصمیم گیری به این مهمی می کنیم. همچنین دوطرف از همان ابتدا وارد رقابتی ناسالمی برای پاسخ دادن و به رخ کشیدن توانمندی های مالی شان خواهند شد. صمیمیت بسیار پایین این نوع از روابط را هم باید نقطه ضعف دیگری برای این نوع از خواستگاری ها به حساب آورد، چون اجازه نمی دهد ما بدون ترس از قضاوت و نظر منفی دیگران با آن ها صادقانه رابطه برقرار کنیم.

انتخاب اصلح

باتوجه به ویژگی ها و نقاط ضعف و قوت گفته شده از خواستگاری های مدرن و سنتی نمی توان نوع خاصی را پیشنهاد کرد. با این همه اگر بتوان ترکیبی از هر دو را پیش برد، به نتایج بهتری خواهیم رسید. برای نمونه انتخاب اولیه می تواند از سمت دختر و پسر باشد ولی باید پیش از اینکه رابطه وارد مرحله احساسی شود، خانواده ها در جریان قرار بگیرند و ادامه ماجرا از طریق خانواده ها پیش برود.



۱- کی: پادشاه بزرگ. ۲- پادشاه بزرگ نامدار سر سوی آسمان کرد و دشمن بداندیش را نفرین

گفت. ۳- برترین نام: برترین نام خدا که با گفتن آن هر خواسته‌ای برآورده می‌شود، اسم اعظم.

۴- بیالود: تر کرد. ۵- مقصود این است که به سبب نکاپوی بسیار از خواب و خورد و خوراک

افتاد. ۶- پور: پسر. ۷- نیا: پدر بزرگ. ۸- جای: جایگاه، شَأن و منزلت. ۹- دستور: وزیر.

نگاهی به گزیده محمود دولت آبادی از قصه های «هزارویک شب» که با آن می‌شود شب‌های زمستان را سر کرد

هزار افسان اینجاست!

محبوبه عظیم زاده

وقتی شهزاد همه درایت وشجاعتش را جمع می‌کند و به پدرش، که وزیر شهریار ساسانی است، می‌گوید: «مرا بر مُلک کابین کن»، می‌داند که جادوی کلمه چیست و سحر قصه با آدمی چه می‌کند، می‌داند قدرت افسونگری افسانه‌ها می‌تواند تا عمق جان‌ها نفوذکند و نجات بخش باشد و راهگشا، حتی درباره آن‌کس که بر مُلک پادشاهی نشسته و خیانت همسر دیده و حالا اراده اش بر انتقام‌گرفتن از همه زنان سرزمینش است. شهرزاد، دختر مِهین وزیر، دانا و پیش‌بین و آگاه از احوال شعرا و ادبا و ظرفا و ملوک پیشین، از همه این‌ها مطلع است و با همین آگاهی نزد شهریار می‌رود. او، پیش‌ازآن، خطاب به وزیر مملکت، خطاب به پدر مستاصلش، که موظف شده است شب به شب، به میل شهریار و برای شهریار، دختری را برگزیند و به‌کام مرگ بفرستد، می‌گوید: «مرا بر مُلک کابین کن. یا من نیز کشته‌شوم و یازنده مانم و پلاز دختران مردم بگردانم.» و پلاز دختران مردم دور می‌کند. او، پس از رفتن به نزد شهریار، دنیازاد، خواهر کِیتر خود، را برای وداع به نزد خود می‌طلبد و از پیش هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد تا خواهرش، شب هنگام، در حضور شاه، از شهزاد بخواد حدیثی بگوید؛ و دنیازاد در شب موعود می‌گوید: «ای خواهر! من از بی‌خوابی به رنج اندرم؛ طرفه حدیثی برگو تا رنج بی‌خوابی‌ام من ببرد.» شهزاد از ملک، که خود نیز خوابش نمی‌برد، اجازت حدیث گفتن می‌طلبد و حکایت بازگان و غریت آغاز می‌کند: «ای ملک جوانبخت...»

افسانه شهریار و شهزاد و قصه‌گویی‌های شب به شب او زیر تیغ هنوز در دهان‌ها می‌چرخد و در گوش‌ها می‌پیچد، و دوست‌داران این افسونگری سال‌هاست که مخاطب «هزارویک شب» اند، هزارویک شب کلمه و قصه و ورد و سروکله زدن با غریبتان و چنیان و آن‌ها که طلسم‌های عجیب غریب بلدند و باطل‌کردن سحر و جادو، «هزارویک شب»ی که قصه محض است و، اگرچه از روزگار دور به دستمان رسیده، در گذر زمان، بارها خلاصه‌ها و بخش‌هایی از آن، با زبانی ساده‌تر و هموارتر، روایت شده‌ است. در این میان، یک گزیده تازه هم روانه بازار نشر شده، با انتخاب و مقدمه نویسنده «کلیدر» و «جای خالی سلوچ» و «نون نوشتن» و «زوال کلنل» و «آهوی بخت من، گزل» که آن‌را جذاب‌تر هم می‌کند. «آورده‌اندکه...» نام این مجموعه منتخب است که چند نکته جذاب دیگر هم دارد.

● گزیده عشق، و هنر و موسیقی، و طنز اثر، خود، گران سنگ است، اما نام محمود دولت‌آبادی ورته دیگری به عنوان «هزارویک‌شب» افزوده. چهره بزرگ زبان و ادبیات و نثر فارسی از میان قصه‌های فراوانی که نقلشان صدها شب طول می‌کشد دست به انتخاب زده و البته برای این منتخب چهارچوبی هم درنظرگرفته از این قرار: «در این گزیده، اصل بر انتخاب کوتاه‌فسانه‌است. آنچه قید شده ازبابت اهمیت قصه و قصه‌گویی در سراسر کتاب بود و نه نقل‌طویل‌ترین حکایت کتاب.» او، چنان‌که در پشت جلد کتاب هم ذکرش رفته، سعی کرده در این گزینش، تاحدامکان، از توهمات افسونگرانه به دور بماند و بیشتر حول درون مایه‌هایی نظیر عشق، و هنر و موسیقی، و طنز کتاب بگردد و حکایاتی که تاحدی از خیال‌پردازی‌های رایج افسانه‌ها فاصله می‌گیرند و خرد و معرفت و فرازنگی را جلوه می‌دهند: «پس این حکمت حیات بخش هزارویک شب، یعنی زنده ماندن در محکوم به مرگ از برکت افسانه‌سازی و افسونگری، نکته مهمی است که افسون و افسونگری‌ها و جادوگری‌ها و خیال‌پردازی‌های بسیار دورازواقعیت را توجیه می‌کند.» دولت‌آبادی این‌گونه ادامه می‌دهد که «در این مجموعه، دید و نگاه من به انتخاب قصه‌ها سه محور اساسی دارد، به دوراز توهمات افسونگرانه، و آن سه محور عبارت‌است از عشق، هنر و موسیقی، طنز. بدیهی است عشق‌هایی که در این کتاب به حکایت درآمده بسیار شدید و درزمره همان عشق‌های افسانه‌ای است...» آنچه در معرفی این گزیده در فضای مجازی به چشم می‌خورد هم دال بر این است‌که بیشتر داستان‌های منتخب این کتاب جنبه‌های طنز دارند و برخی از آن‌ها عاشقانه هستند و نیز

اینکه داستان‌ها گرد شخصیت‌های موسیقی‌دان و موسیقی نواز دوران خلافت هارون الرشید و البته شخصیت‌های ایرانی دوران وزارت برمکیان می‌گردند. صفحه انتشارات «وزن دنیا»، ناشر کتاب، نیز در معرفی این اثر نوشته‌ است: «هزارویک شب 'ازجمله کتاب‌هایی است که وجودش در هر کتابخانه‌ای می‌تواند منبعی از حکمت، تخیل و داستان‌سرایی باشد. این اثر کهین، که درطول سده‌ها الهام بخش نسل‌های مختلف در سراسر جهان بوده، مشتمل بر روایت‌هایی پررمزوراز از دربارهای حاکمان تازندگی روزمره مردمان است و به حق می‌توان آن را بازنمایی اصیل از فرهنگ و تاریخ غنی مشرق‌زمین دانست. گزیده ساختن 'هزارویک شب' به انتخاب نویسنده برجسته معاصر، استاد محمود دولت‌آبادی، برای مخاطب امروز که زمان کمتری برای مطالعه آثار کلاسیک ادبیات جهان دارد جاودانه ساختن اثری است که نویسندگان و اندیشمندان بزرگ جهان از آن الهام گرفته‌اند؛ و دولت‌آبادی، با گزینش برخی از مهم‌ترین و زیباترین داستان‌های آن، استادانه، نقیّی درخشان به ژرفای تاریخی این اثر بی‌تکرار زده‌ است.»

نکته دیگری که به این اثر وجهه‌ای دوست‌داشتنی بخشیده تصویرگری‌های آن است، تصویرگری‌هایی پر از ظرافت‌که تداعی‌کننده قصه‌های قدیمی است و روحی ایرانی به متن بخشیده‌ است، کاری‌از فرشید پارسی‌کیا. هم‌جواری قصه و تصویر شاید خواندن این اثر را برای بسیاری جذاب‌تر هم بکند. به همه این‌ها اضافه‌کنید حجم کم و ۳۰۰ صفحه‌ای کتاب را که می‌تواند عاملی دیگر برای ترغیب کتاب‌خوان‌ها به مطالعه آن باشد، مخصوصا آن دسته که بهانه «هزارویک شب» نخواندنشان تا کنون قطور و طویل بودن این اثر بوده‌ است.

● وسیله سرگرمی عامه که همواره در اکثریت‌اند

شخص‌ترین نکته در گزیده از «هزارویک شب» به روایت محمود دولت‌آبادی‌را، چنانکه مختصرا ذکرش رفت، باید دوری جستن از انتخاب افسانه و حکایت صرف دانست و تمرکز بیشتر بر داستان‌هایی با درون‌مایه حکمت‌آمیز، نکته‌ای که حتی ممکن است رنگ و بوی تازه‌ای به این اثر ببخشد

چون اخبار دیو و پری و کوه و غول بیابان و دریا، که احمقی هنگامه‌ساز و گروهی همچون آو‌گرد آیند و وی‌گوید: 'در فلان دریا جزیره‌ای دیدم و پانصد تن جایی فرود آمدم بر درآن جزیره و نان بخیمیم و دیگ‌ها نهادیم. چون آتش تیز شد و تیش بدان زمین رسید، از جای برفت. نگاه کردیم؛ ماهی بود. و به فلان کوه چین و بر چنین چیزها دوان دیدم و ییزنی جادو‌مردی را خری‌کرد و باز پیزنی دیگر،

چون اخبار دیو و پری و کوه و غول بیابان و دریا، که احمقی هنگامه‌ساز و گروهی همچون آو‌گرد آیند و وی‌گوید: 'در فلان دریا جزیره‌ای دیدم و پانصد تن جایی فرود آمدم بر درآن جزیره و نان بخیمیم و دیگ‌ها نهادیم. چون آتش تیز شد و تیش بدان زمین رسید، از جای برفت. نگاه کردیم؛ ماهی بود. و به فلان کوه چین و بر چنین چیزها دوان دیدم و ییزنی جادو‌مردی را خری‌کرد و باز پیزنی دیگر،

● گزیده عشق، و هنر و موسیقی، و طنز اثر، خود، گران سنگ است، اما نام محمود دولت‌آبادی ورته دیگری به عنوان «هزارویک‌شب» افزوده. چهره بزرگ زبان و ادبیات و نثر فارسی از میان قصه‌های فراوانی که نقلشان صدها شب طول می‌کشد دست به انتخاب زده و البته برای این منتخب چهارچوبی هم درنظرگرفته از این قرار: «در این گزیده، اصل بر انتخاب کوتاه‌فسانه‌است. آنچه قید شده ازبابت اهمیت قصه و قصه‌گویی در سراسر کتاب بود و نه نقل‌طویل‌ترین حکایت کتاب/م. د.

صیاد

و ازجمله آورده‌اندکه در عهد خلافت هارون الرشید در بغداد صیادی بود «خلیفه» نام‌که بسی بی‌چیز و پریشان روزگار بود. اتفاقا، روزی از روزها، دام برداشته، به عادت موهود، ازبهر صید به کنار دریا رفت. آستین و دامن برزده، دام بگشود. یک بار و دوبار دام در دریا انداخت؛ چیزی در دام نیامد. تاده بار دام فشرده، به دریا انداخت؛ چیزی در دام نیفتاد. بدین سبب تنگ دل گشته، درکار خود حیران بود

● وز آن پس به کین سیامک شتافت شب آرامش و روز خوردن نیافت^[۱] سیامک خجسته یکی پور^[۲] داشت که نزد نیا^[۳] جای^[۴] دستور^[۵] داشت



۱- کی: پادشاه بزرگ. ۲- پادشاه بزرگ نامدار سر سوی آسمان کرد و دشمن بداندیش را نفرین

گفت. ۳- برترین نام: برترین نام خدا که با گفتن آن هر خواسته‌ای برآورده می‌شود، اسم اعظم.

۴- بیالود: تر کرد. ۵- مقصود این است که به سبب نکاپوی بسیار از خواب و خورد و خوراک

افتاد. ۶- پور: پسر. ۷- نیا: پدر بزرگ. ۸- جای: جایگاه، شَأن و منزلت. ۹- دستور: وزیر.



جادو، گوش‌او را به روغنی بیندود تا مردم‌گشت. ' و آنچه بدین‌ماند از خرافات‌که خواب‌آرز نادان‌را چون شب‌برایشان خوانند.» ولی در ادامه، ضمن تأیید سخن بیهقی، از دلایلی می‌گوید‌که خواندن افسانه‌های مردم‌پسندی چون «هزارویک‌شب» را توجیه می‌کند: «اما آنچه خردمندان در این کتاب یافته‌اند و آن نیز درست است اینکه قصه‌های خیال‌پردازانه از چنان جاذبه‌ای برخوردار است که می‌تواند یک زن، یک زن قصهگو را -که محکوم به مرگ دائمی است- در دام حاکمی خیانت‌دیده و خشمگین شرقی از مرگ بهراند؛ و این حکمت و جادو، گوش‌او را به روغنی بیندود تا مردم‌گشت. ' و آنچه بدین‌ماند از خرافات‌که خواب‌آرز نادان‌را چون شب‌برایشان خوانند.» ولی در ادامه، ضمن تأیید سخن بیهقی، از دلایلی می‌گوید‌که خواندن افسانه‌های مردم‌پسندی چون «هزارویک‌شب» را توجیه می‌کند: «اما آنچه خردمندان در این کتاب یافته‌اند و آن نیز درست است اینکه قصه‌های خیال‌پردازانه از چنان جاذبه‌ای برخوردار است که می‌تواند یک زن، یک زن قصهگو را -که محکوم به مرگ دائمی است- در دام حاکمی خیانت‌دیده و خشمگین شرقی از مرگ بهراند؛ و این حکمت

و جادو، گوش‌او را به روغنی بیندود تا مردم‌گشت. ' و آنچه بدین‌ماند از خرافات‌که خواب‌آرز نادان‌را چون شب‌برایشان خوانند.» ولی در ادامه، ضمن تأیید سخن بیهقی، از دلایلی می‌گوید‌که خواندن افسانه‌های مردم‌پسندی چون «هزارویک‌شب» را توجیه می‌کند: «اما آنچه خردمندان در این کتاب یافته‌اند و آن نیز درست است اینکه قصه‌های خیال‌پردازانه از چنان جاذبه‌ای برخوردار است که می‌تواند یک زن، یک زن قصهگو را -که محکوم به مرگ دائمی است- در دام حاکمی خیانت‌دیده و خشمگین شرقی از مرگ بهراند؛ و این حکمت و جادو، گوش‌او را به روغنی بیندود تا مردم‌گشت. ' و آنچه بدین‌ماند از خرافات‌که خواب‌آرز نادان‌را چون شب‌برایشان خوانند.» ولی در ادامه، ضمن تأیید سخن بیهقی، از دلایلی می‌گوید‌که خواندن افسانه‌های مردم‌پسندی چون «هزارویک‌شب» را توجیه می‌کند: «اما آنچه خردمندان در این کتاب یافته‌اند و آن نیز درست است اینکه قصه‌های خیال‌پردازانه از چنان جاذبه‌ای برخوردار است که می‌تواند یک زن، یک زن قصهگو را -که محکوم به مرگ دائمی است- در دام حاکمی خیانت‌دیده و خشمگین شرقی از مرگ بهراند؛ و این حکمت

و استغفار می‌کرد و می‌گفت: «ما شاء... کآن و ما لم ی‌شاء لم.» روزی دهنده خدای -تعالی- است؛ به یکی روزی بی‌شمار دهد و عیش دیگری را تلخ گرداند و کسی را بر او اعتراض نیست. قصه، مرد صیاد درکار خود به فکر فرورفت و اندوهی بزرگ بر وی روی داد و این بیت همی خواند: نعمت شمع چراست دریادار؟ محنت مفلس چراست کشتی‌کشتی؟ پس از آن، ساعتی نشسته، سر بر زمین افکند و این دو بیت برخواند: لطیف کرم‌گستر کارساز که دارای خلق است و دانای راز یکی را به سر بر نه‌د تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت پس از آن، با خودگفت: «بار دیگر بر خدا توکل کرده، دام در دریا اندازم؛ شاید که مرا از فضل خود نومید نگرداند.» آن‌گاه، دست‌ها بلند کرد، به توانایی هرچه تمام‌تر دام در دریا انداخت و ساعتی صبر کرد. پس از آن، دام برگشیده، سنگینش یافت.

فلسفه، قاتل فلسفه!

حسین نیازبخش | پژوهشگر فلسفه

واژه «فلسفه» از دو عبارت یونانی «فیلیا» به معنی «دوستداری» و «سوفیا» به معنی «دانش» تشکیل شده است. «سوفیا»، که با نظریه «مبدأ» یا «آرخه» یونانی مرتبط است، به معنی شناخت حقیقتی است‌که درپس واقعیات ظاهری جهان قرار داشته و این واقعیات را به وجود آورده است. سقراط از اولین افرادی است که خود را «فیلسوفوس»، به معنی «دوستدار دانش»، معرفی کرد و واژه «فیلیا» را به «سوفیا» افزود. سقراط مدعی بود که هیچ دانشی از عالم ندارد. اما، برخلاف دیگران، از این ناآگاهی آگاه است. اما ناآگاهی صرف باعث عشق به دانش نمی‌شود. آن چیزی‌که علاقه سقراط به دانش را ایجاد کرد پیغامی بود که ایزدان به او دادند: سروش دلفی به سقراط گفت که او آگاه‌ترین انسان است. سقراط به جست‌وجوی راز این پیغام الهی رفت و مسیر فلسفی خود را آغاز نمود. اما همین مسئله برایش مصیبت‌زا شد. سقراط در جست‌وجوی دانش نبود. او خود را آگاه‌ترین فرد یونان می‌دانست، اما می‌خواست به سایرین ثابت‌کند که آن‌ها هم نمی‌دانند و، به همین جهت، خود را برتر از دیگران می‌دانست و معتقد بود‌که به حقیقتی دست یافته است.



بدعت سقراط در افلاطون رادیکال‌تر شد. درنظر افلاطون، فیلسوف تنهاکسی است‌که به عالم «معرفت عقلانی» دارد و، به همین دلیل، تنها اوست‌که می‌تواند «فرمانروا»ی جامعه باشد. نگاه افلاطون به فیلسوف درطول حیاتش تندتر و تندتر شد. او در آثار پیشین (به خصوص رساله «نوامیس») فیلسوف را تبدیل به «جبار»ی کرد‌که حق دارد مانند خداوند بر مردم «حکم» رانده و حتی آنان را اعدام کند.

این تلقی از فلسفه در وارثان افلاطون، به خصوص نزد نوافلاطونی‌ها، به رادیکال‌ترین شکل خود درآمد. دراین سنت، «فیلسوف» به «حکیم» تبدیل شد. درنظر نوافلاطونیان، فیلسوف، نه «دانشجو»، بلکه «دانشمند متألّه»ی بود که مانند یک استاد به دانش آموزان درس می‌داد. در سنت مدارس نوافلاطونی آتن و اسکندریه، درس فلسفی ذمراتب بودند و استاد نمی‌توانست هر درسی را به هر دانشجویی بدهد و، بسته به مرتبه و جودی و ذهنی دانشجو، به او از «سرچشمه حکمت» می‌نوشاند.

تلقی حکمت‌گونه از فلسفه در سنت فلسفه اسلامی و یهودی هم تداوم یافت. در این سنت، تلقی حکیم‌گونه از فیلسوف تا جایی پیش رفت‌که «فلسفه» تبدیل به «حکمت خالده» شد. و این عقیده که فلسفه از دین‌گرفته شده و سقراط و ارسطو شاگردان موسی و سلیمان بوده‌اند تبدیل به باوری رایج گردید. بدین طریق، فیلسوف (حداقل در سنتی‌که بیان شد) به تدریج مُرد.

ذات فلسفه «فیلیا» است. «فیلیا»، در آثار میانی افلاطون مانند «ضیافت»، به «اروس» تبدیل می‌شود. «اروس» یا «عشق» زمانی ایجاد می‌شود‌که عاشق از وجهی مطلوب یا معشوق را داشته باشد و از جهتی آن را دراختیار نداشته باشد؛ بنابراین، ایزدان هرگز قادر به فلسفه‌ورزی نیستند، چون «عاشق» نمی‌شوند. این درحالی‌است‌که فلسفه، به مرور، از نوعی تمنای دائمی به مشق خداوندی تبدیل شد و فیلسوف نیز ایزد روی زمین گردید. این نشان می‌دهد که فلسفه، بیش از هرچیز، یک «روحیه» است. فیلسوف کسی است که، بدون غرض، به دانستن «عشق» ورزیده، مانندکودکان در جست‌وجوی دانش است و هرگز مطمئن نمی‌شود‌که به حقیقت نهایی رسیده است یا نه.

مسئله اخیر مهم‌ترین اصل در ایجاد روحیه فلسفی است. فیلسوف باید بداند که هرگز نمی‌تواند از سطح‌ظاهر عبور کرده و مبدأ یا حقیقت واقع درپس ظاهر را به «شهود» برساند. انتهای می‌تواند یا «عقل» به معرفت حصولی حقیقت دست یابد. زبان، حس، مقولات ذهنی، بدن م‌دنتی و ... و همه و همه، مانع از روبرویی شهودی و حضوری فیلسوف با حقیقت می‌شوند. درواقع، فیلسوف مانند جوینده‌ای است که در شب تاریک و ظلمانی به دنبال سنگ سیاه است. او می‌تواند سنگ سیاه را پیدا کند، اما هرگز نمی‌تواند مطمئن شود‌که به سنگ سیاه دست یافته است.

صاحب‌خبر

رونمایی از کتابی درباره قرارداد «آخال»

کتاب «بر بلندی آفتاب»، به قلم امان ... حامدی‌فر، در مشهد رونمایی می‌شود. به‌گزارش «ایبنا»، ایین رونمایی کتاب «بر بلندی آفتاب»، روایتی از مقاومت دلاورمردانی از تیره «جلالی»، به قلم امان ... حامدی‌فر، در مشهد برگزار می‌شود. این کتاب را انتشارات «نوید فتح» به چاپ رسانده است. «بر بلندی آفتاب» روایتی است از قرارداد «آخال» و مقاومت دلاورمردانی از تیره «جلالی» (در شمال خراسان) در مقابله باجوازات روس‌ها در دوران قاجار. به موجب آن قرارداد، در عهد ناصری، بخش‌های بزرگی از شمال ایران به تصرف روس‌ها درآمد.

در این مراسم، که با حضور نویسند و جمعی از فعالان حوزه ادبیات و پیشکسوتان دفاع مقدس برگزار می‌شود، محمد حسین زاده (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی) و حبیب ... تقی‌پور (رئیس دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی) سخنرانی خواهند کرد. آیین رونمایی کتاب «بر بلندی آفتاب»، دوشنبه، سوم دی ماه، ساعت ۱۷، در سالن «امام رضا (ع)» دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی برگزار می‌شود.

شماره ۱۳

شماره ۱۳

شماره ۱۳

شماره ۱۳

فرهنگ و ادبیات

فاطمه(س)؛ انسان کامل



آنچه در معارف دینی ما درباره هدف خلقت و آفرینش بیان شده، این است که انسان با عبادت و بندگی خداوند بتواند مراتب کمال و انسانیت را طی کند و در این فرصت دنیا این‌گونه رشد یابد و کامل شود.

عبودیت بر دو نوع ارادی و استعبدای (اضطاری) است. منظور از عبودیت استعبدای، همان بندگی به زور و اجبار است که در مقابل آن عبودیت ارادی قرار دارد. درمورد انسان که داشتن اختیار از خصوصیات اوست، نوع اول متصور است؛ یعنی عبودیت ارادی انسان برحسب دلدادگی به یک حقیقت الهی که بنده آن می‌شود.

پس عبودیت ارادی، عبودیت انسان درمقابل خداوند متعال است. وقتی بنا شد که بنده با تمام وجود وابسته به خداوند متعال شود، او در این موقعیت در حال عبادت ارادی است.

باید توجه کرد که فلسفه آفرینش انسان بر روی زمین، رسیدن به نقطه خداگونگی و خلیفه... بودن است. فلذا در عبودیت استعبدای، بنده به مولای خود منفعت و سود می‌رساند، درحالی‌که عبودیت ارادی انسان، هیچ منفعت و سودی برای پروردگار ندارد.

اوج کمال انسان رسیدن به خداگونگی است که باید با اراده و انتخاب خود در این مسیر حرکت کند و به این نقطه برسد. خداوند متعال نیز تمامی امکانات، دستورات و برنامه رسیدن به این منزلت را برای او فراهم کرده است.

اگر انسان دستورات خداوند را اطاعت کرد و مسیری که خداوند برای او قرار داده است را دقیقاً طی کرد، به مقام خلیفه... در زمین می‌رسد، لذا خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید:

« عبدی أطلعني أجعلك مثلي، أنا حج لا موت اجعلك حجًا لا تموت، أنا غني لا أفقر أجعلك غنيًا لا تفقر، أنا اقول للشيء كن فيكون و انت تقول للشيء كن فيكون»:

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را مثل خود سازم. من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم، تو را هم زنده‌ای قرار دهم که نمیری. من دارایی هستم که فقیر نمی‌شوم، تو را هم چنان سازم که فقیر نگردی. من هرچه را اراده کنم، می‌شود، تو را هم چنان قرار دهم که هرچه بشود.

اگر انسان در اطاعت خداوند که عین عبودیت و بندگی اوست، کمال پیدا کرد، هدف آفرینش الهی درباره او محقق شده است، نمونه انسان کامل، حضرت فاطمه (س) هستند که پیامبر اکرم (ص) درباره ایشان می‌فرماید، «دخترم فاطمه کسی بود که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، برای فرشتگان و اهل آسمان نورانیتی داشت که ستارگان برای اهل زمین نورانیت دارند».

پیامبر اکرم (ص) در ادامه می‌فرماید: «خداوند به ملائکه خود می‌فرماید ای فرشتگان! به بنده من فاطمه نگاه کنید که بانوی تمام کنیزان من زهراست. در مقابل من پروردگار چنان خضوع دارد که بند از بند او درمقابل من می‌لرز و دل به عبادتم سپرده است».

اما باید توجه کرد که عبودیت خداوند، امری قلبی است نه آن عمل ظاهری که من و شما انجام می‌دهیم. آنچه مهم است، دلدادگی و جذب عظمت حق در دل انسان است که پیامبر اکرم (ص) این شکل از عبودیت را برای صدیقه اطهر(س) ذکر می‌کنند. نکته آخر این است که در مسیر این عبادت و عبودیت، باید سعی کنیم تا جایی که می‌توانیم، به اهل بیت (ع) و حضرت فاطمه زهر(س) شباهت پیدا کنیم که همین شباهت، ان شاء... زمینه شفاعت ایشان در قیامت از ما خواهد شد.

بزرگفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تتظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یادداشت

وقتی شیطان با «واجب»

ما را از عمل به «واجب» باز می‌دارد!

کینه دارد از ما. شیطان را می‌گوییم. کینه دارد از آدم و هرکه از نسل اوست. کم اتفاقی هم نیست اینکه از آستان حضرت رحیم، جل‌وعلا، یک نهیب بشنود، «قال فَأَرْجُ مِنْهَا فَأَنْتَ رَجِيمٌ»، [خدا! گفت: پس از این جایگاه بیرون شو که قطعاً تو رانده شده‌ای»^(۱)، بزرگ است عقده‌ای که در دل او نشسته است با نقطه‌ای که او را «رجیم» کرده است.

معلوم است که با ما بر سر ناسازگاری است، لذا قسم خورده است راه را بر او ببندد تا پا به بیراهه بگذارد. قسم خورده است که انسان را گمراه کند. قرآن به این گزاره خبری تصریح می‌فرماید: «قَالَ فَبِعَرْشِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد»^(۲)، برای تحقق این قسم هم همه توان خود را می‌گذارد. از همه

ظرفیت‌ها استفاده می‌کند تا به ظریف‌ترین شکل ممکن، ما را به بیراهه بکشاند. آن قدر غبار برمی‌افروزد که دیدن اگر هم ناممکن نشود، به خطا گرفتار آید.

تأمل در کردار او می‌گوید فقط ما را به سنگ چُرَم نمی‌زند. خونی که از جای زخم برخیزد، آدمی را هوشیار می‌کند. آدمی را به فحش‌های آشکار هم شکار نمی‌کند که باز لحظه‌ای تأمل، می‌تواند آب ببیند و به نقشه‌ای که کشیده است، تنها به شهوت نمی‌گیرد که با شهود پافدند کنیم. اگر این‌ها بود، می‌شد یک جوری از جلوش درآمد اما چنان‌که آیت... جوادی آملی می‌گوید: «مکاید شیطان گوناگون است»، شیطان گاهی انسان را به وسیله گناه از خدا دور می‌کند؛ «این به نظر ساده‌ترین شکل ماجراست».

همه هم می‌دانیم گناه، انسان را از خدا دور می‌کند. می‌دانیم راه نزدیکی به خدا، این است که از انواع گناهان، دست و در مرحله بالاتر دل بشوییم. حتی قسمت دومی هم که آیت... می‌گوید، پیش‌بینی پذیر و با مقداری سختی، قابل پیشگیری است، «گاهی به وسیله مکروه، انسان را از مسیر بازمی‌دارد»، خب، انسان می‌تواند با مراقبت و هوشیاری افزون‌تر، خود را از مرداب شیطان برهاند اما کار وقتی سخت می‌شود که به‌گفته آیت...، «گاهی با عمل مستحبی[انسان را] از اعمال واجب غافل می‌کند». آدمی که زبان به مستحب، گوید و دل به استحباب روشن دارد، یک دفعه چشم باز می‌کند و می‌بیند که در انبان چیز کرامندی ندارد. طلا داده و نقره، ستانده است.

لطیف‌ترین تمثیل در این باره شاید همان اشتغال به ذکر باشد در زمانه‌ای که علم آموزی، نیاز جامعه است، همان که می‌خوانیم پیامبر اکرم (ص) وارد مسجد شدند. جمعی را به دعا دیدند و گروهی را به درس و علم، فرمودند: هر دو مجلس، فرجامی نیک دارند، در یکی خدا را می‌خوانند و در دیگری می‌آموزند و مطالب را به نادانان یاد می‌دهند. این مجلس (آموزشگران و دین‌اموزان) برترند، من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. سپس درکنار آنان نشست. اما از این هم سخت‌تر وجود دارد؛ آنجا که به قول استاد، «گاهی شیطان با عمل واجب، از اعمال واجب باز می‌دارد». مشغول نماز می‌شوی اما خواست نیست که نجات انسان گرفتار دانش، مقدم است. به اعمال فردی اهمیت می‌کنی. واجبات شخصی را برپا می‌داری اما غافلی که نقش اجتماعی‌ات مهم‌تر است. اگر انجام تکالیف فردی واجب است، نقش آفرینی اجتماعی، اینجا واجب است؛ یعنی مقدم است به انجام. باز بهترین مثال این را در دفاع مقدس تجربه کردیم و امروز هم پیش‌روی ماست؛ دفاع از وطن. واجب است در برابر واجب عبادت و علم آموزی، باری، ابلیس به رانندگمان از بهشت، قانع نیست. می‌خواهد ما را به جهنم بکشاند. پس همه توش و توانش را می‌گذارد تا هر کسی را به طریقی از خداوند متعال دور و گرفتار غفلت کند، حتی با انجام واجب. باید به خدا پناه برد. همیشه حتی وقت قرآن خواندن، چه خود خداوند فرموده است: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» پس چون قرآن می‌خوانی، از شیطان مطرود به خدا پناه بر،^(۳) که اینجا هم دست بر نمی‌دارد. جای استعاده همین جاست. مراقب باشیم ما را به خطای ادراکی مواجه نکند.

پی‌نوشت:

۱- سوره حجر/ آیه ۳۴

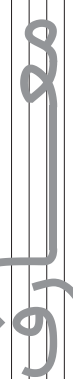
۲- سوره ص/ آیه ۸۲

۳- سوره نحل/ آیه ۹۸



شماره ۱۴۰۳
۱۴۰۳
شماره ۱۴۰۳

شماره ۱۴



حمیده ذاکری| هر امکانی که برای بشر فراهم می‌شود، با خودش فرهنگ و عرف رفتاری‌ای را به دنبال می‌آورد که می‌تواند شامل الگوهای درست یا غلطی باشد. در سال‌های گذشته با شیوع بیماری کرونا و انزوا و فاصله گرفتن افراد اجتماع از یکدیگر، رسانه‌های مجازی با استقبال زیادی روبه‌رو شدند اما مثل هر امکانات دیگری، فرهنگ درست استفاده از آن امکان نیز باید برای ما مهم باشد و اینکه فضای مجازی ویژه دوره سنی معین یا گروه‌های مشخصی نیست.

درحال حاضر می‌بینیم که فضای مجازی افراد مختلفی را با وجود اختلاف سنی و فاصله مکانی و نسلی، گرد هم آورده و امکان ارتباط بین آن‌ها را فراهم کرده است؛ امکانی که به‌کارگیری آن، باعث بروز مشکلاتی مانند رعایت نکردن حریم خصوصی افراد، سوءاستفاده از اطلاعات، شایعه‌پراکنی... شده است. فضای مجازی نیز مانند فضای حقیقی، تابع قوانین و محدودیت‌هایی است و ما پیش از به‌کارگیری آن، لازم است که آدایش را بیاموزیم. آن‌گاه می‌توانیم خود را از فضای مسموم شایعه‌پراکنی حفظ کنیم و ناخواسته به آن دامن‌نزنیم. در ادامه با توجه به آیات و روایات، نکاتی را درباره جلوگیری از شایعه‌پراکنی و نشر اخبار نادرست در فضای مجازی، باهم مرور می‌کنیم.

خود واقعی‌تان باشید!

یکی از معضلات ارتباطات در فضای مجازی، اکانت‌های جعلی است که به نام افراد مشهور ساخته می‌شوند. بسیاری از ما با هویتی ساختگی در شبکه‌های مجازی حضور داریم و تصور می‌کنیم که این نوع حضور، آفت و مشکلاتی را به دنبال ندارد. درحالی‌که بسیاری از خطاها از همین چهره‌های دروغین در فضای مجازی ریشه می‌گیرند. زمانی که ما با هویت ساختگی در این فضا فعالیت می‌کنیم، آسان‌تر دگربر خطا می‌شویم؛ چون تصور می‌کنیم با یک اظهار نظر یا نشر یک خبر، عواقب آن متوجه ما نمی‌شود، درحالی‌که خوب است بدانید دروغ و پنهان‌کاری، فضای مجازی و حقیقی ندارد و این مخفی‌کاری فقط راه ورود خطاهای بعدی را آسان‌تر می‌کند.

از هجمه اخبار دوری کنید!

اشتراک گذاشتن اخبار بدون فکر، می‌تواند برای دیگران آزاردهنده باشد. حتمادربین اقوام و آشنایان شما هم افرادی هستند که مثل پایگاه‌های خبری عمل می‌کنند و بیست و چهار ساعته هر خبری را در شبکه‌های اجتماعی می‌بینند، فوری برای شما و سایر اقوام به اشتراک می‌گذارند. لازم است به این افراد، ابتدا برای هدر دادن عمر خود و دیگران، هشدار داد و سپس اعلام کرد که درست است در دنیای آزادی اطلاعات به سر می‌بریم اما هر خبری را نباید بدون توجه به سن و سال یا موقعیت و جایگاه افراد، در اختیارشان گذاشت. در این زمینه می‌توان به ما چراری خواب حضرت یوسف (ع) اشاره کرد؛ ایشان پس از اینکه خوابشان را برای حضرت یعقوب (ع) تعریف کردند، آن حضرت در مورد انتشار این خبر به حضرت یوسف (ع) هشدار داد و فرمود: «ای سرم! خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند» (سوره یوسف، آیه ۵). امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌فرماید: «نه تنها چیزی را که به آن علم نداری، بازگو مکن، بلکه همه آنچه می‌دانی، نیز مگو!» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۲).

در دنیای مجازی شما واقعی باشید

باورهای دینی درباره نشر اخبار غلط و شایعه‌پراکنی

در فضای مجازی و حقیقی چه می‌گویند؟



درست و غلط اخبار را تحقیق کنید

تنها یک کلیک ساده در فضای مجازی، کلی اتفاق رخ می‌دهد. تصور کنید دکمه‌ای که زیر دست شماست، می‌تواند جان چند نفر را به خطر بیندازد، آن وقت همین طور ندیده و نسنجیده آن را به کار می‌برید؟ این موضوع درباره نشر اخبار در فضای مجازی هم صدق می‌کند. بر ملازم است که در زمان مواجهه با یک خبر، ابتدا صحت آن را بسنجیم. همان طور که در قرآن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شخص فاسقی برای شما خبری آورد، درباره آن تحقیق کنید» (سوره حجر، آیه ۶). همچنین رسول خدا (ص) در روایتی، درباره نشر خبر بدون توجه به صحت آن فرموده‌اند: «برای دروغ‌گو بودن شخص، همین کافی است که هرچه می‌شنود، بر زبان بیاورد و بازگو کند» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۵).

هر خبری قابل اشتراک‌گذاری نیست

احساس ناامنی و اضطراب، یکی از بلاهای دنیای مدرن است. این درحالی است که ما با خواندن و همچنین به اشتراک گذاشتن اخبارید، چه درست چه نادرست، به افزایش اضطراب دامن می‌زنیم. هیچ‌کدام ما با شنیدن خبر جدایی یک زوج، خیانت یا دروغ افراد به یکدیگر یا هر خبر دیگری از این دست، حاملان خوب نمی‌شود، بلکه فضای ذهنی خود و اطرافیانمان را هم آلوده می‌کنیم. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها و گناهان در میان مؤمنان اشاعه یابد، به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت گرفتار خواهند شد» (سوره نور، آیه ۱۹). بدون شک این هشدار به دلیل اهمیت جلوگیری از نشر اخبار بد و ناپسند است. همچنین در آیه دیگری درباره نشر اطلاعاتی که موجب ناراحتی افراد می‌شود، تذکر داده شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی که اگر برای شما آشکار شود شما را آندوهناک می‌کند، مپرسید» (سوره مائده، آیه ۱۰).

در مقابل کژی‌ها بی‌تفاوت نباشید!

هر سخن که از دهان ما خارج می‌شود، به نام ما ثبت می‌شود و مسئولیت‌آور است. امام علی (ع) می‌فرماید: «شنونده سخن، شریک گوینده است از حیث کفر یا پاداش». پس بر ماست که مراقب آنچه می‌شنویم، باشیم و درباره صحت یک حرف، از شایعه‌پراکن مستندات و شادخواییم، این‌گونه، مقابل شایعه‌پراکنی بایستیم و اگر شخص دروغ می‌گوید، اعلام کنیم که این‌گونه نیست. از سوی دیگر باید درباره افراد، پرده‌پوشی وسیعی کنیم از نشر عیب دیگران هر چند درست، جلوگیری کنیم. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «هیچ مؤمنی زشتی‌های بنده مؤمن دیگر را نمی‌پوشاند، مگر آنکه خدا در قیامت زشتی‌های او را می‌پوشاند». (تفسیر کبیر، ج ۲۲، ص ۱۸۲). همچنین امام رضا (ع) در مورد نشر گناه دیگران فرموده‌اند: «فردی که گناه را نشر می‌دهد، مطرود است و آن که در استتار و فراموش شدن آن می‌کوشد، مشمول آموزش است» (اصول کافی، ج ۲، باب سترالذنب).

شایعه‌پراکنان مجازات می‌شوند

شاید به نظرتان انتشار یک خبر نادرست درباره افراد، چندان مهم نباشد، اما ما معمولاً از عواقب عمل خود در فضای مجازی مطلع نیستیم و بدون توجه به سرعت زیاد نشر اخبار در این فضا، دست به نشر و اشتراک می‌زنیم، این درحالی است که شایعه‌پراکنی به شدت دردین‌مانگی شده است. در این باره در قرآن کریم آمده است: «اگر منافقان و بیمار دلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند، دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم و جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنارتودر این شهر بمانند. آن‌ها از همه جاتردمی‌شوند و هرجا یافت شوند، دستگیر می‌شوند و به سخت‌ترین مجازات خواهند رسید. این سنت خداوند در اقوام پیشین است و در سنت الهی، هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت» (سوره احزاب، آیه ۶۲).

روشنا

امام علی (ع): کَمَا تُعْنِ نَعَانُ

غیرالحکم و دررالکلم، ج ۲۴۹

یکی ساقی شاه‌ویکی بر سر دار

قصه قرآنی

يَا صَاحِبِ السُّجُنِ أَمَا أَدْرَاكَ مَا فَيْسَبْقِي رَبُّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخِرُ فَيَضْلِبُ فَتَأْكُلُ اللَّطِيْمُ مِنْ رَأْسِهِ فُضِي الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (يوسف، ۴۱).

این چیزی است که خدا برای شما مقدر کرده است.

یوسف به دوست زندانی‌اش که قرار بود آزاد شود، گفت: سفارش من را به پادشاه بکن و از بی‌کناهی من به‌او بگو که مگر از زندان آزاد شوم، وَقَالَ لِلَّذِي ظَلَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَتَاهُمُ الشُّبْهَانُ دُكْرًا وَرَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السُّجُنِ بِضْعَ سِنِينَ (یوسف، ۴۲).

رفیقش آزاد شد اما شیطان کاری کرد که یوسف (ع) را ازایببرد اما متقدیر، در زندان ماندن یوسف نبود.

خود و پدرانان ناامیده‌اید. خدا هیچ حجتی بر آن نفرستاده است. تنها حکم فرمای عالم وجود خداست: امر فرموده است که جز آن ذات پاک یکتا، کسی را نپرستید. این توحید آیین محکم است، ولی بیشتر مردم به این حقیقت آگاه نیستند.

تعبیر خوابان: تعبیر خواب تو که انگور می‌فشردی، ساقی شاه خواهی شد و تو که نان بر سر داشتی، تو را دار می‌زنند و مرغان از سر تو می‌خورند،

احکام

حکم نگهداری از حیوان خانگی و آزار همسایگان

پرسش: فردی خروسی دارد که صبح‌گاه شروع به خواندن می‌کند. اگر احتمال بدهد که همسایه‌ها از صدای او آزار می‌بینند، باید چه کند؟ و آیا همسایه‌ها در این مسئله حق اعتراض دارند؟

پاسخ اجمالی: اگر نگهداری از این نوع حیوانات، در محل زندگی شخص، مرسوم باشد، اشکالی ندارد و همسایگان –تنها به دلیل اموری مانند صدا- حق اعتراض ندارند. ولی اگر در محلی زندگی می‌کند که این کار متعارف نیست و نیز احتمال عقلایی می‌دهد که موجب آزار همسایگان شود، لازم است از این کار خودداری کند. به‌هر حال حکم این موضوع، نسبی است و با توجه به شرایط محل سکونت، تعیین می‌شود.

امام علی (ع):

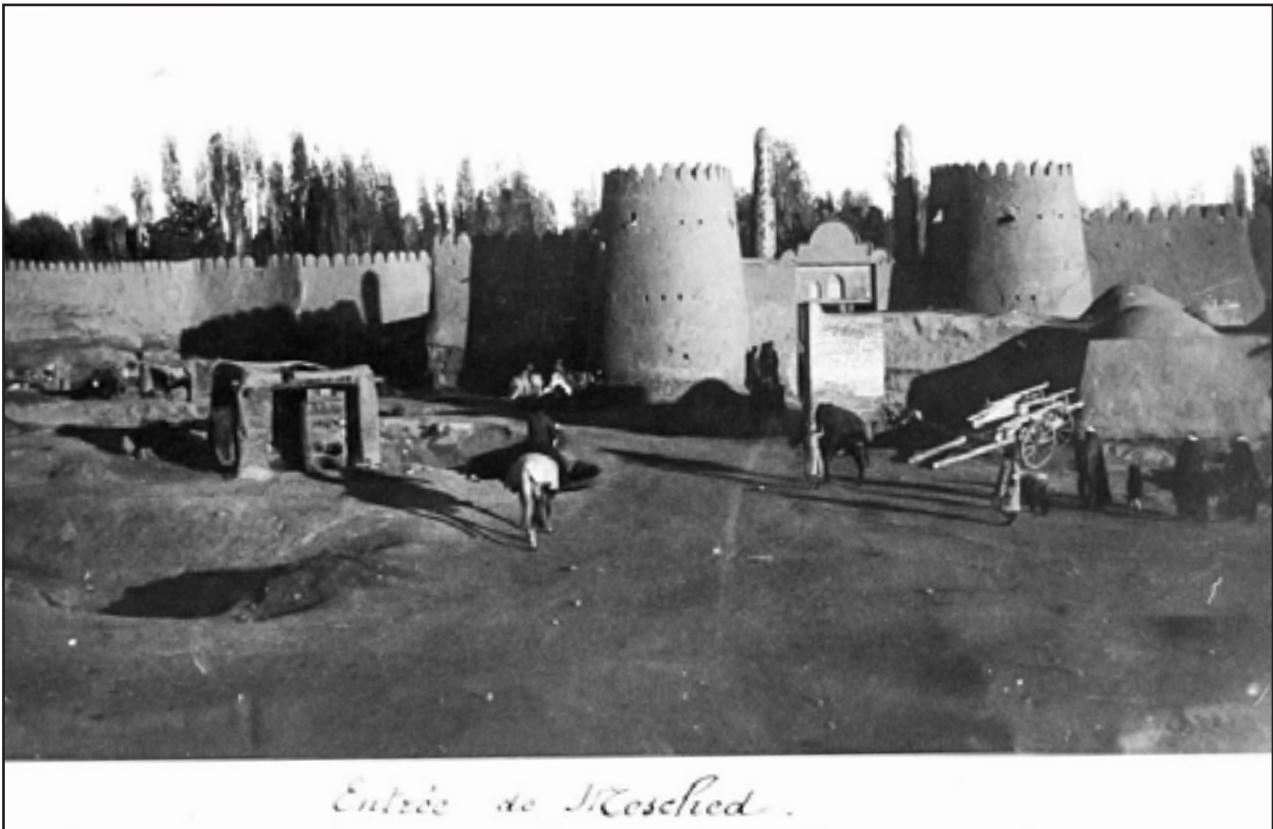
آن‌گونه که یاری می‌کنی، یاری می‌شوی



عالم رضا بنی‌السنی
(زاده ۱۳۸۴)

درباره کوچه «توحید۲۶» که نگهبانان حصار و باروی شهر نخستین ساکنان آن بودند

باغ‌های انگور «پشت بهره» و قصه اربابانش



نمایی از حصار و دیوار محافظ شهر در دوره قاجار

می‌خواندند تا آن را از کوچه‌های مشابه در سایر نقاط شهر متمایز کنند. این نام در نامه‌ها و اسناد دولتی اندکی تغییر می‌کرد و برای آن به جای عنوان مشهدی «بهره» از کلمه «باره» استفاده می‌شد.

عنوان «پی‌بهره سراب» در سال‌های نخست دوران پهلوی و پس از تخریب دروازه بالاخیابان، کمی مختصر شد و به کوچه «بهره سراب» تغییر کرد. این نام امپس از سکونت مرحوم دکتر مرتضی شیخ در این کوچه به «کوچه «دکتر شیخ» تغییر یافت؛ البته سکونت یکی از مدیران ارشد مخابرات خراسان در بخش انتهایی کوچه سبب شد تا نام رسمی کوچه در قسمت انتهایی آن با عنوان «صنیعی» (کوچه مشتاق قدیم و خیابان صاحب‌الزمان^[۳] کنونی) تابلو بخورد.

این وضعیت تا سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت اما پس از شهادت یکی از ساکنان قدیمی کوچه یعنی «شهید محمودرامندی» نام مبارک او نیز در کنار عنوان توحید ۲۶ بر سر در این کوچه نقش بست. چندی بعد با ایجاد خیابان صاحب‌الزمان^[۳] در انتهای این کوچه، تابلوی صاحب‌الزمان^[۳] نیز بر این سمت حک شد.

● باغ‌های انگوری که به خانه‌های اربابی تبدیل شدند
کوچه «شهید رامندی» کنونی همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد در اصل بخشی از مسیر پشت باروی ایجاد شده در دوران شاه طهماسب صفوی است و براین اساس، حداقل ۴۵۰ سال قدمت دارد. برابر اسناد موجود، وضعیت این مسیر از دوران صفوی تا میانه‌های عصر حکومت قاجارها بر ایران یا حداقل تا سال ۱۲۴۸ خورشیدی که نخستین نقشه رسمی از مشهد (نقشه دالمج) ترسیم شده، تغییر چندانی نکرده است.

در کل این دوران، بخش غربی کوچه به دیوار محافظ شهر اختصاص داشته و کاربری بخش عمده‌ای از زمین‌های سمت شرقی این کوچه هم عمدتاً باغ انگور بوده است؛ البته بعدها بسیاری از این باغ‌ها ماهیت اصلی خود را از دست دادند و به خانه‌های اربابی تبدیل شدند. ناگفته نماند که ساکنان این کوچه در دوره صفوی بیشتر خانواده نظامیان فعال در حصار شهر بودند اما به مرور زمان تعدادی از مالکان عمده زمین‌های روستاهای غرب و شمال غربی مشهد در این محدوده ساکن شدند.

● کوچه‌ای امن و گران‌قیمت در دوره پهلوی‌ها
کوچه «پشت باره سرراب» در نیمه نخست



تصویری از خانه تاریخی ارباب

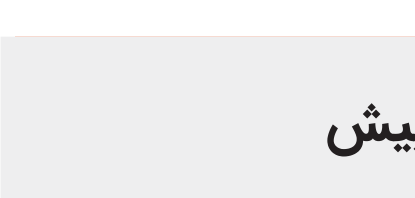


سده ۱۴ خورشیدی، تغییرات در خوروتوجهی را به خود دید که مهم‌ترین آن‌ها مسکونی شدن بخش غربی کوچه بود. در واقع حذف برج و باروی دور شهر پس از سال ۱۳۱۰ خورشیدی و ایجاد خیابان سنایی با فاصله کمی از این مسیر در غرب آن، عاملی شد تا جانب غربی کوچه -که بین این مسیر و خیابان جدید سنایی قرار می‌گرفت- به سرعت مسکونی شود. به این صورت، کوچه «پشت باره سراب» از میانه‌های دهه‌۲۰ به مسیری ارباب‌نشین تبدیل شد؛ زیرا ساکنان نخستین آن فرزندان و نزدیکان همان اربابانی محسوب می‌شدند که در باغ‌های انگور خانه ساخته بودند.

این تغییر وضعیت در کوچه و افزایش پلاک‌های مسکونی آن به تدریج باعث افزایش فرعی‌های کوچه شد، به‌نحوی‌که سال ۱۳۲۲ از بخش شرقی کوچه سه فرعی منشعب می‌شد که دو فرعی اول و سوم پس از گذشت مسیری کوتاه به هم متصل و سپس به کوچه «زردی» ختم می‌شدند؛ اما فرعی دوم بن‌بستی کوچک بود. در این سال در بخش غربی کوچه نیز یک فرعی وجود داشت که به خیابان سنایی ختم می‌شد.

روند رشد کوچه در سال‌های بعد سبب شد در سال ۱۲۵۰ تعداد فرعی‌های شرقی به پنج فرعی افزایش پیدا کند. نکته مهم درباره ساکنان این کوچه در دهه‌۲۰ و ۵۰، افزایش تعداد کارمندان ساکن در آن (به‌ویژه کارمندان شرکت مخابرات) بود، تاجایی‌که در برخی نقشه‌ها و اسناد، بخش جنوبی کوچه به نام یکی از ساکنان کوچه، یعنی آقای صنیعی که مدتی مدیر مخابرات مشهد بود، تغییر نام پیدا کرد. بد نیست بدانید که سکونت پزشک مردمی مشهد، مرحوم دکتر مرتضی شیخ، در این حدود نیز چون باعث رفت‌وآمد پیوسته مردم به آن و در نتیجه افزایش امنیت این مسیر شده بود، موجب اقبال مردم برای سکونت در آن شد. اقبال مردمی هم سبب گرانی خانه‌های این مسیر شد، آن‌چنان‌که منازل این کوچه در دهه‌۵۰ جزو گران‌قیمت‌ترین منازل بافت مرکزی شهر محسوب می‌شدند.

● آغاز تغییرات در کوچه «پشت بهره سراب»
کوچه «پشت بهره سراب» در سال‌های اولیه پس از انقلاب تغییر چندانی به خود نداد؛ اما پس از پایان جنگ تحمیلی و وضعیت کوچه تغییر کرد. تبدیل برخی پلاک‌های آن به یک مجموعه تجاری اقامتی در سال‌های نخست دهه‌۷۰ را باید نخستین تحول بزرگ ایجاد شده در این کوچه در سال‌های پس از انقلاب دانست. پس از این تغییر پلاک‌های قدیمی اما بزرگ کوچه مورد توجه مجموعه سازان قرار گرفت تا جایی‌که



چند قرن بعد، در سال ۱۲۲۹ خورشیدی، یعنی ۱۶۴ سال پیش، گنر آنتونیو جیانوزی، افسر ایتالیایی در خدمت ارتش ایران، به مشهد افتاد. او از جانب ناصرالدین شاه مأموریت داشت که از بناهای تاریخی عکس تهیه کند. جالب اینجاست که یکی از مهم‌ترین بناهایی که نظر جیانوزی را جلب کرد، همین بقعه‌ها رونیه بود. تصویری که می‌بینید، همان عکسی است که جیانوزی ۱۶۴ سال پیش از بقعه‌ها رونیه گرفت. شرایط بقعه تا ۷۴ سال بعد از برداشته شدن این عکس، همین‌طور باقی ماند تا آنکه در سال ۱۳۱۲ خورشیدی، ماجرای برگزاری مراسم هزاره فردوسی پیش آمد. میهمانان این مراسم که قصد اتراق در آرامگاه فردوسی را داشتند، باید از جاده‌ای عبور می‌کردند که از کنار بقعه‌ها رونیه می‌گذشت. ظاهراً شرایط اسف‌بار حاکم بر بنا و همچنین تبدیل شدن آن به مکان انباشت زباله، مسئولان امر را بر آن داشت تا فکری به حال بنا کنند. به این ترتیب، بخش‌هایی از بنای قدیمی که زیر خاک بود، بیرون آورده و به شکل آبرومندی مرتب و مرمت شد. از آن زمان به بعد، کسانی که به دیدار آرامگاه فردوسی می‌روند، حتماً در رفت‌وایر گذشت، سری هم به بقعه‌ها رونیه می‌زنند.



شهریار
۲شنبه
۲ دی ۱۴۰۳
۲۱ شهریور ۱۴۰۳
SHAHIRANEWS.IR

۱۵

↓

تاریخ و هویت

مشهد
قدیم

بیمارستان آمریکایی در خاطرات سرهنگ بقیعی



گروه تاریخ و هویت| اول زمستان است و چیزی حدود یک قرن از تأسیس بیمارستان و مدرسه «پرستاری میسیونری آمریکایی» در مشهد می‌گذرد؛ بیمارستانی که مشهدی‌ها آن را به نام «بنگی دنیا» می‌شناختند. این بیمارستان سال ۱۳۰۲ خورشیدی با خرید زمینی ۱۳۰ هزار مترمربعی به دست کمیسونری آمریکایی در انتهای کوچه باچنار که در حومه شمالی مشهد قرار گرفته بود، احداث شد. در آن زمان «منتصریه» و «دارالشفای حضرتی» تنها بیمارستان‌های شهر بودند و مریض‌خانه پنجاه و چهار تختخوابی آمریکایی در مقایسه با آن‌ها هم بزرگ‌تر بود و هم مجهزتر. این روزها تقریباً هیچ رد و نشانی از این بیمارستان قدیمی باقی نمانده است. ساختمان و باغ آن به چند قسمت تقسیم شده است و بخشی از اداره بهزیستی استان خراسان رضوی و کتابخانه «امامین همامین^[۱]» را در آن ساخته‌اند. اما این بیمارستان در خاطرات مرحوم «حسین بقیعی» به خوبی ترسیم شده است.

او در کتاب «مزار میرمراد» می‌نویسد: «در مشهد قدیم شمار ماما‌های دوره‌دیده، اطبای درس خوانده و مریض‌خانه‌های شهری، انگشت شمار بود و تعدادشان از یکی دو ماما، پنج تا شش طبیب، سه بیمارستان به اسامی «دارالشفاء»، «منتصریه»، «بنگی دنیا» و یک داروخانه فراتر نمی‌رفت.

مریض‌خانه «بنگی دنیا»، از دو بیمارستان دیگر بزرگ‌تر و مجهزتر بود و توسط صلیب سرخ آمریکا اداره می‌شد. همه کارکنان، پرستاران و دکترهایش هم خارجی بودند. این مریض‌خانه درکنار خندق و برج و باروی شمال شرقی شهر قرار داشت و از سمت جنوب با کوچه ترک‌ها دیواره دیوار بود. در اصلی آن هم روبه روی کوچه باغ نادری قرار داشت. خاطرم هست در متن کاشی‌کاری‌های سردر آن در زمینه آبی و به خط فارسی و انگلیسی، اسم مریض‌خانه نوشته شده بود که این نام برای عوام آن دوره نامفهوم و عجیب بود.

من چندباری داخل این مریض‌خانه را دیده بودم. داخل محوطه، سمت چپ در ورودی، بنای کوچکی ساخته بودند که افراد خانواده دربان در آن زندگی می‌کردند. چسبیده به این بنا یک کتابخانه با ویرتینی بسیار زیبا وجود داشت که درون آن انواع کتاب‌های مسیحیان، عکس‌های رنگی حضرت عیسی^[۲] و بعضی از پیغمبران و قدیسیان کلیسا به چشم می‌خورد. از اینجا، جاده ورودی دو قسمت می‌شد که راه سمت راست به ساختمان اصلی مریض‌خانه و راه سمت چپ به عمارت‌های مسکونی پزشکان و کارکنان آمریکایی می‌رسید. یک دیوار کوتاه آجری هم بود که این دو بخش را از هم جدای می‌کرد. سراسر هر دو بخش را هم با گل، گیاه، درختان چنار، سرو، سبیدار و کاج زینت داده بودند. حاشیه خیابان‌ها و میان باغچه‌ها هم به طرز زیبایی گل‌کاری شده بود. یک کلیسای کوچک با یک صلیب در نوک شیروانی آن در بخش مسکونی به علاوه یک دکل آهنی بزرگ با چرخ‌ره دار که به آن تلمبه‌بادی می‌گفتند، در بخش اداری بیمارستان به چشم می‌خورد که هر دو از دور و بیرون از محوطه هم دیده می‌شدند.

این مریض‌خانه خودش موتور برق داشت که با آن همه ساختمان‌ها، محوطه و خیابان‌های داخلی شرکت را روشن می‌کردند. ایوان عمارت اصلی، چهار پله از زمین باغ بالاتر بود. اولین اتاق آن که پنجره‌هایش رو به ایوان باز می‌شد، به سالن سخنرانی و محل اجتماع کارکنان اختصاص داشت. اتاق‌های معاینه، پانسمان، جراحی، داروخانه و حسابداری هم در همین طبقه قرار گرفته و طبقه بالا هم مخصوص استراحت بیماران بستری بود.

مریض‌ها همیشه قبل از نزدیک شدن به این ساختمان باید از گیشه کنار، رلیت می‌خریدند و با نشان دادن آن به نگهبان، وارد کریدر می‌شدند. پس از این، مأموران بارعایت نوبت، بیماران را به اتاق معاینه می‌فرستادند. این مریض‌خانه یک رخت‌شوی خانه هم داشت که نزدیک تلمبه‌بادی و درکنار کارخانه برق قرار داشت. مادر یکی از دوستان من که ما «ننه‌تقی» صداش می‌زدیم، توی همین قسمت رخت‌شوی خانه کار می‌کرد. به محض ورود چادرش را برمی‌داشت، روپوشی آبی می‌پوشید و با چند رخت‌شوی دیگر مشغول کار می‌شد. آن‌ها لباس، ملحفه، روپوشی، حوله و هر چیز پارچه‌مانندی را با آب گرم و صابون می‌شستند و آن را روی بندهایی که در پشت بیم بیمارستان بسته شده بود، پهن می‌کردند. ملحفه‌ها بعد از خشک شدن به اتاقی که مخصوص ضد عفونی بود، برده می‌شد و در پایان هم اتوکرده و تاخورد به دست پرستاران می‌رسید.

در آن زمان، رخت‌شستن یکی از دشوارترین و مشقت‌بارترین کارهای خانواده‌ها به شمار می‌رفت. معمولاً هفته به هفته لباس‌ها را در بچه‌بزرگی می‌بستند. یک تشت، یک دیگ مسی، مقداری هیرم و یک قالب صابون برمی‌داشتند و چند خانواری از شهر خارج می‌شدند تا در نزدیکی دهانه یکی از کاریزها پاشان را پهن کنند، اجاقی برپا می‌کردند و رویش دیگ آب می‌گذاشتند تا جوش بیاید. بعد از آن لباس‌ها را در تشت بزرگی خیس می‌کردند و مقداری «چوبک» که در لپچه مشهدی به آن «بیخ» می‌گفتند، نیز بر آن می‌پاشیدند. بیخ‌ها در فاصله کشیدن قلیان و خوردن چای، خیس می‌خورد و در آب حل می‌شد.

زن‌ها سپس لباس‌های خیلی چرب یا لک‌دار را صابون می‌زدند و آن قدر لگد می‌کردند تا تمیز شود. این کار معمولاً تا عصر طول می‌کشید؛ برای همین هرکس که برای شستن لباس از شهر خارج می‌شد، معمولاً بساط تفریح و ناهار ظهرش را هم با خود می‌برد.

خاطرم هست آب قناتی که روزهای جمعه همراه مادرم برای رخت‌شویی به انجام می‌رفتیم، از کنار کال پشت‌خانه آمریکایی می‌گذشت و به سوی کارگاه‌های دباغی جریان می‌یافت. زن‌هایی که می‌خواستند رخت‌شوبند، بساطشان را در قسمت بالای جوی پهن می‌کردند و دباغ‌ها در انتهای کال و پشت دروازه‌نوغان می‌نشستند. در آن قسمت جوی یک عده روده‌های گاوها و گوسفندهای ذبح شده را می‌شستند. نمک می‌زدند و برای ساختن زوگمان پنبه‌زنی، آلات موسیقی، بافتن غریال، قنوت یا شلاق درشکه‌چیان، می‌تابانیدند و در آفتاب، خشک می‌کردند. عده‌ای هم پوست‌های تازه را روی زمین یا چهارچوب مخصوص این کار پهن می‌کردند، به قلاب می‌بستند، روی آن‌ها آهک می‌پاشیدند. به پشم‌هایشان را می‌زدودند، با رد جوو مواد دیگر ترکیب می‌کردند یا به اصطلاح خودشان «آش» می‌دادند. بعد در آفتاب می‌خشکاندند، صیقل می‌کشیدند و رنگ می‌زدند تا درنهایت یک نوع چرم نرم و نازک به نام «تیماچ» و «ساغری» بسازند. ناگفته نماند که مراحل کار چنان بوی تعفنی به اطراف می‌پراکند که تحملش سخت بود.

رضا سلیمان نوری| دیوار محافظ، برج‌های نگهبانی و خندقی قبل از دیوار، سه عصری هستند که هنگام سخن از حصار و باروی دور شهرها (قبل از تغییر وضعیت از شهرنشینی سنتی به شهرنشینی مدرن) در ذهن افراد حک می‌شود. حصار قدیم مشهد، عنصر چهارمی هم دارد که اهمیت آن کمتر از سه عنصر قبلی نیست. این عنصر راه ارتباطی پشت این‌سازه محافظ در محدوده داخل شهر است. ساکنان شهر از طریق این راه‌ما یحتاج افراد محافظ شهر را تأمین می‌کردند و محافظان هم در موقع لزوم، از این راه برای اطلاع‌رسانی مخفیانه به سایر نقاط شهر بهره می‌بردند. جالب است بدانید با اینکه سال‌هاست حصار دور مشهد فرو ریخته، این راه یا مسیر از بین نرفته است و هنوز وجود دارد و اکنون با تابلوی کوچه توحید ۲۶ شناخته می‌شود. این مسیر اما زمانی نه چندان دور به عنوان «مسیر پشت بهره سراب» از آن یاد می‌شد و در حاشیه داخلی باروی مشهد -حداً فاصل دو دروازه بالاخیابان و سراب- امتداد داشت.

● «پی‌بهره»، کوچه‌ای در کنار حصار شهر

کوچه‌ای که اکنون عنوان توحید ۲۶ بر روی آن ثبت شده، در طول عمر طولانی خود با اسامی مختلفی در بین مردم شناخته شده است. کهن‌ترین نام این کوچه، برگرفته از موقعیت مکانی آن، یعنی مسیر پشت حصار دور شهر مشهد است. ناگفته نماند این حصار در دوران شاه طهماسب صفوی با گرفته است.

کوچه توحید ۲۶ در آن زمان بخش عمده‌ای از مسیر قرار گرفته در سمت داخلی دیوار نگهبان دور شهر بود، برای همین هم مشهدی‌ها به آن «بهره» می‌گفتند. این مسیر که حداً فاصل دروازه‌های بالاخیابان و سراب را به خود اختصاص داده بود، در زبان مردم کوچه و بازار به کوچه «پی‌بهره» هم شهرت داشت.

مردم سایر نقاط شهر اما پسوند سراب را هم به این عنوان اضافه می‌کردند و مسیر مورد اشاره را «پی‌بهره سراب»

مرضیه ترابی| بنای تاریخی «بقعه هارونیه»، یکی از معدود ابنیه باقی‌مانده از روزگار رونق و شکوه «تابران» است. شهر تابران بر کرانه شمالی کشف‌رود باستانی قرار گرفته بود و تا پیش از محو کامل در هجوم لشکریان تیمورلنگ، همچنان به عنوان شهری راهبردی در بلوک توس، حیات داشت. بقعه هارونیه، درون باروی هفت کیلومتری تابران -که امروزه هنوز بقایایش به چشم می‌خورد- و به نزدیکی دروازه جنوبی این شهر، موسوم به «دروازه رودبار»، قرار گرفته بود. نکته جالب توجه درباره این بقعه، فراموش شدن کاربری اولیه آن و جایگزین شدن حقیقت این کاربری با گمانه‌های وهم‌آلود است.

امروزه می‌دانیم که کاربری بقعه هارونیه، به احتمال قریب به یقین، «خاقاه» بوده است. گرایش به تصوف، در دوره سلجوقیان شدت یافت و در عصر ایلخانی، اهتمام فراوانی به آن می‌شد و گویا اشغالگران مغول، چنین تفکری را که عموماً به مردم دنیا گریزی را می‌موخت، به حال خود و حکومتشان مفید می‌دانستند و از طرفی، برخی از اجزای آن را موافق با عقاید بودایی و شمنی خود فرض می‌کردند، به‌هر حال، دوران شکوه این بنای

اماکن
تاریخی

